



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی

دوره دوازدهم - سال اول

شماره ثبت ۹۴

عادی

طرح جامع داوری

کمیسیون های ارجاعی

اصلی:	قضائی و حقوقی
فرعی:	آموزش، تحقیقات و فناوری-اجتماعی-امنیت ملی و سیاست خارجی-امورداخلی کشور و شوراها-فرهنگی

معاونت قوانین

باسمه تعالی

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

احتراماً طرح ذیل که به امضای ۳۵ نفر از نمایندگان رسیده است، جهت طی مراحل قانونی تقدیم می‌شود.

مقدمه (دلایل توجیهی):

باسمه تعالی

مقدمه (دلایل توجیهی):

افزایش روزافزون پرونده‌های قضایی در کنار پیچیدگی‌های اجتناب ناپذیر فرایند قضایی که موجب طولانی شدن دادرسی شده است در بسیاری از موارد نارضایتی مردم را به همراه دارد. این درحالی است که کم نیستند پرونده‌هایی که به سبب ماهیت اختلاف و یا پیش‌پا افتاده بودن آن به سادگی قابل حل در فرایند داوری هستند و ضرورتی وجود ندارد که حتماً تمامی فرایند قانون دادرسی در مورد آنها به اجرا گذاشته شود. به‌طوری که از طریق داوری این امکان وجود دارد که بسیاری از اختلافات در مدت زمان بسیار کوتاه‌تری حل و فصل شود. اما نهاد داوری در جمهوری اسلامی ایران قوانین پراکنده دارد و این قوانین ایرادات و خلاءهایی نیز دارند که به نظر می‌رسد نیاز است که این قوانین باید در یک قانون جامع تجمیع شود و متولی نظام دهی این نهاد نیز مشخص گردد لذا، طرح مذکور جهت طی مراحل قانونی تقدیم می‌شود.

حسینعلی حاجی دلیگانی - محمدطلا مظلومی آبرزگه - محمدرضا احمدی سنگر - محمد رستمی -
فرامرز شاهسواری - سیدعلی یزدی خواه - محمد خوش سیما - نصراله پژمان فر - عباس بیگدلی -
علی اکبر علیزاده - صَدِیف بَدَری - فداحسین مالکی - علی خضریان - هادی قوامی - روح اله

ایزدخواه - کامران غضنفری - کمال حسین پور - مهدی طغیانی - ابوالفضل ابوترابی - سیدنحیب
حسینی - عباس پاپی زاده بالنگان - موسی غضنفرآبادی - سالار مرادی - جعفر قادری - علیرضا
عباسی - رضا تقی پورانوری - رمضان رحیمی دشتلوئی - محمدمهدی مفتاح - امیرحسین بانکی
پورفرد - روح اله متفکرآزاد - ابراهیم عزیزی تهران - مجتبی رحمان دوست - فتح الله توسلی -
مالک شریعتی نیاسر - هوشنگ هادیان پور

عنوان طرح: طرح جامع داوری

طرح جامع داوری

فصل اول: مقررات عمومی

ماده ۱- تعاریف و اصطلاحات

اصطلاحات و واژه‌هایی که در این قانون به کار رفته‌اند، دارای معانی زیر است:

۱- «داور»: شخص ثالث حقیقی که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم از سوی طرفین به منظور حل و فصل اختلاف به نحو الزام آور انتخاب می‌شود؛ منظور از واژه «داور» اعم از «داور واحد» یا «هیأت داوران» یا «هر یک اعضای هیأت داور» است؛

۲- «داوری»: روش خصوصی حل اختلاف که با توافق طرفین به داور اختیار داده می‌شود تا در مورد اختلافاتی که به او ارجاع می‌شود تصمیم لازم الاجرا اتخاذ کند

۳- «داوری داخلی»: داوری در مواردی که مطابق قانون داوری تجاری بین‌المللی مشمول داوری بین‌المللی نباشد، داوری داخلی است.

۴- «موافقت‌نامه داوری»: توافق کتبی طرفین به صورت صریح یا ضمنی بر ارجاع تمام یا بخشی از اختلاف موجود یا احتمالی ناشی از یک یا چند رابطه حقوقی مشخص قراردادی یا غیر قراردادی به داوری؛

۵- «سازمان داوری»: شخص حقوقی دارای آئین داوری که مطابق ماده (۷۹) این قانون تشکیل شده و موضوع فعالیت اصلی آن انجام امور اداری مرتبط با داوری و ساماندهی و نظارت بر آن است؛

۶- «داوری سازمانی»: چنانچه حل اختلاف به سازمان داوری محول شده باشد، داوری سازمانی است در غیر این صورت داوری موردی است؛

۷- «مقام ناصب»: دادگاه یا هر شخص حقیقی یا حقوقی است که به موجب قانون یا توافق طرفین تعیین داور به عهده آن است. هرگاه طرفین حل اختلاف خود را به شخص حقوقی یا مقام رسمی به اعتبار سمت وی ارجاع نمایند، از نظر این قانون شخص حقوقی یا دارنده سمت مذکور مقام ناصب محسوب می‌شود؛

۸- «دادگاه صالح»: در داورهای داخلی دادگاه ارجاع‌کننده دعوا به داور یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد، دادگاه صالح است.

ماده ۲- اصول کلی

داوری مبتنی بر اصول زیر است و مفاد این قانون در چارچوب اصول زیر تفسیر می‌شود:

۱- داور مبتنی بر استقلال و بی طرفی داور به منظور حل و فصل عادلانه اختلافات با کمترین هزینه و در سریعترین زمان ممکن است؛

۲- داور حاصل تراضی طرفین در ایجاد عدالت از طریق یک مرجع غیردولتی است که در چارچوب قانون از قدرت اجرایی برخوردار است؛

۳- طرفین می‌توانند در همه موارد به استثنای قواعد آمره و ممنوعیتهای قانونی در مورد چگونگی حل و فصل اختلافات خود از قبیل نصب داور، تعیین مقر داور، قواعد و آئین حاکم بر جریان رسیدگی، نحوه ابلاغ و هزینه‌های داور توافق نمایند؛

۴- دخالت و نظارت دادگاه در امور راجع به داور محدود به موارد مصرح قانونی است؛

ماده ۳- قلمرو قانون

الف- این قانون در موارد زیر در داور داخلی اعمال می‌شود و اعمال آن در داور تجاری بین‌المللی در صورتی است که مغایر با توافق طرفین و قانون داور تجاری بین‌المللی نباشد:

۱- در مواردی که مقر داور در ایران باشد، مگر اینکه به موجب معاهدات لازم‌الاجراء برای دولت ایران به نحو دیگری مقرر شده باشد؛

۲- در مواردی که به موجب قانون، مرجع خاصی برای حل اختلاف از طریق داوری پیش بینی شده و فاقد آیین و مقررات خاص باشد؛

۳- در مواردی که طرفین این قانون را به عنوان قانون حاکم تعیین کرده باشند هرچند مقرر داوری خارج از کشور ایران باشد.

ب- مقررات مربوط به تعلیق صلاحیت دادگاه موضوع ماده (۴)، دعاوی غیرقابل ارجاع به داوری موضوع ماده (۷)، داوری در دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی موضوع ماده (۸) این قانون ارجاع دعوا به داوری توسط دادگاه، اقدامات تأمینی، شکایت از رأی داور، اجرای رأی داور و سازمان داوری در ایران، حسب مورد تابع این قانون یا معاهدات لازم الاجرا است هرچند مقرر داوری خارج از ایران یا توافق طرفین به نحو دیگری باشد؛

ماده ۴- تعلیق صلاحیت دادگاه

دادگاهی که دعوای موضوع موافقتنامه داوری نزد آن اقامه شده است، قرار عدم استماع دعوا صادر می کند مگر اینکه دادگاه با ایراد یکی از طرفین احراز کند موافقتنامه داوری باطل بوده یا منحل یا غیر قابل اجرا شده است یا خوانده بدون ایراد به وجود موافقتنامه داوری دفاع کند. در این صورت دادگاه مکلف است جهت اعمال صلاحیت خود را در در رأی ذکر کند. صرف طرح دعوا در دادگاه مانع شروع و یا ادامه جریان رسیدگی داوری و صدور رأی داور نیست.

ماده ۵- آیین داوری

۱. جریان داوری تابع تشریفات آیین دادرسی مدنی نیست ولی رعایت مقررات داوری و اصول دادرسی از جمله ذینفع بودن خواهان، محدود بودن رسیدگی به خواسته، رفتار مساوی با طرفین و فرصت متعارف برای طرح ادعا یا دفاع و ارائه دلایل و محرمانه بودن داوری ضروری است.

۲. آیین داوری از قبیل نحوه دریافت و ابلاغ درخواست و لوایح، دعوت از طرفین، تعیین مهلت دفاع و ارائه دلایل و تشکیل جلسات استماع و رسیدگی در صورتی که طرفین به نحو دیگری توافق نکرده باشند. توسط داور تعیین می شود و در موارد

سکوت تابع این قانون است. ابلاغ فرایند داوری در صورتی که از قبل تعیین و به اطلاع طرفین رسیده باشد و با روشی که مثبت سابقه ارسال باشد معتبر است.

۳. در داوری‌های سازمانی، آئین داوری از قبیل نحوه ابلاغ، نحوه انتخاب و تعیین داور، تشریفات جرح و رسیدگی به آن، مدت داوری، تاریخ شروع و تمدید آن در صورتی که طرفین به نحو دیگری توافق نکرده باشند، تابع آئین سازمان داوری و در موارد سکوت تابع این قانون است. ارجاع اختلاف به سازمان داوری به منزله توافق بر اعمال آئین داوری سازمان است.

ماده ۶- انصراف از حق ایراد

در صورتی که هریک از طرفین پس از اطلاع از عدم رعایت مقررات غیرآمره قانون یا آئین داوری یا شرایط قابل عدول موافقت‌نامه داوری، ایراد خود را فوراً یا در مهلتی که به این منظور تعیین شده است، اقامه نکند و داوری را ادامه دهد، چنین فرض می‌شود که از حق ایراد خود صرف‌نظر کرده است.

فصل دوم - موافقت‌نامه داوری

ماده ۷- حق ارجاع اختلاف به داوری

کلیه اشخاص می‌توانند قبل یا پس از حدوث اختلاف، کلیه دعاوی حقوقی را که نسبت به آن اهلیت اقامه دعوا دارند، اعم از اینکه در مرجع قضایی طرح شده یا نشده باشد و در صورت طرح در هر مرحله‌ای از رسیدگی باشد، به داوری ارجاع دهند. موارد زیر قابل ارجاع به داوری نیست:

۱- دعوای ورشکستگی و دعاوی مربوط به امر تصفیه و شکایت از اقدامات مدیر تصفیه و قرارداد ارفاقی؛

۲- دعاوی راجع به حجر، اصل نکاح، فسخ آن، طلاق، رجوع و نسب؛

۳- دعاوی راجع به وقف؛

۴- دعاوی دیگری که به موجب قانون مرجع غیرقضایی ویژه‌ای برای حل و فصل آنها مقرر شده باشد؛

ماده ۸- داوری در دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی

ارجاع دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی به داوری در هر مورد، موکول به تصویب هیئت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی یا به موجب قانون از امور مهم باشد باید به تصویب مجلس نیز برسد. دعاوی که موضوع آن مستقیماً راجع به اموال عمومی یا دولتی نباشد یا ناشی از اعمال تصدی‌گری باشد، از شمول این ماده خارج است.

ماده ۸ مکرر - اعتبار موافقت‌نامه داوری تابع قانون محل انعقاد آن است مگر اینکه طرفین صریحاً یا ضمناً آن را تابع قانون دیگری قرار داده باشند. چنانچه مفاد موافقت‌نامه مزبور مخالف با قواعد آمره ایران باشد، قابل ترتیب اثر نیست.

ماده ۹ - احراز موافقت‌نامه داوری

موافقت‌نامه داوری باید کتبی باشد و وجود آن به یکی از شکل‌های زیر احراز می‌شود:

۱- موافقت‌نامه داوری ضمن سندی به امضای طرفین رسیده باشد اعم از اینکه به صورت شرط داوری در قرارداد اصلی یا به صورت موافقت‌نامه جداگانه باشد

۲- ارجاع به سندی در قرارداد کتبی که متضمن شرط داوری است یا مبادله درخواست، دادخواست، لایحه، داده پیام، دفاعیه، نامه یا نظایر آنها که بر تراضی طرفین برای حل اختلافات از طریق داوری دلالت نماید یا یکی از طرفین وجود آن را ادعا کند و طرف دیگر عملاً آن را قبول کند؛

ماده ۱۰ - استقلال شرط داوری

شرط داوری ضمن قرارداد از حیث اعتبار و نفوذ مستقل از قرارداد اصلی است. بطلان، بی‌اعتباری، انحلال یا غیرقابل اجرا شدن قرارداد اصلی فی‌نفسه خللی به شرط مذکور وارد نمی‌کند. تصمیم داور در مورد بطلان، بی‌اعتباری یا انحلال یا غیرقابل اجرا شدن قرارداد اصلی، به خودی خود به منزله بی‌اعتباری شرط داوری مندرج در قرارداد نیست.

ماده ۱۱ - اثر موافقت‌نامه داوری

۱- موافقتنامه داوری بین همان اشخاص که آن را منعقد کرده‌اند و قائم مقام قانونی و قراردادی آنها مؤثر است. تسری موافقتنامه داوری به شخص ثالث در حق یا مال مورد اختلاف در صورتی است که تراضی طرفین و شخص ثالث نسبت به موافقتنامه داوری احراز گردد.

۲- موافقتنامه داوری در مورد اختلافات ناشی از یا راجع به همان رابطه حقوقی معین اعم از قراردادی یا غیر قراردادی که طرفین حل آن را به داوری ارجاع داده‌اند و آنچه مقدمه یا لازمه انجام داوری است، معتبر است. (تصویب ۲۷ / ۶ / ۱۴۰۰)

۳- در قرارداد متضمن تعهد به نفع شخص ثالث یا متضمن تعهد یا ضمانت شخص ثالث به نفع یکی از طرفین قرارداد، در صورتی که ثالث شرط داوری را صریحاً رد نکرده باشد، شرط داوری مندرج در قرارداد مزبور نسبت به ثالث نیز معتبر است.

ماده ۱۲ - زوال موافقتنامه داوری

موافقتنامه داوری در موارد زیر از بین می‌رود:

- ۱- با تراضی کتبی صریح یا ضمنی طرفین؛
- ۲- در صورت عدم تمایل یا عدم توانایی یا فوت یا حجر یا ممنوعیت قانونی داور از انجام وظیفه در داوری مقید به شخص معین؛
- ۳- در صورت صدور حکم قطعی بر بطلان یا بی‌اعتباری موافقتنامه داوری؛

فصل سوم - ارجاع دعوا به داوری توسط دادگاه

ماده ۱۳ - موارد ارجاع دعوا به داوری توسط دادگاه

دادگاه در موارد زیر دعوا را به داوری ارجاع می‌دهد:

- ۱- در مواردی که طرفین تا قبل از صدور رای توسط دادگاه درخواست کنند که دعوا را به داوری ارجاع دهد، اعم از اینکه دعوا در مرحله بدوی یا تجدیدنظر مطرح باشد؛

۲- در مواردی که طرفین نسبت به دعوایی که در دیوانعالی کشور مطرح است از شعبه دیوان ارجاع دعوا به داوری را درخواست کنند. در این صورت شعبه دیوان ضمن صدور قرار توقف رسیدگی، پرونده را جهت ارجاع دعوا به داوری مطابق این ماده به آخرین دادگاه بدوی یا تجدیدنظر که رأی صادر کرده است ارسال می‌کند؛

ماده ۱۴- اقدام دادگاه در موارد ارجاع دعوا به داوری

مدیریت داوری توسط دادگاه به شرح بندهای ذیل انجام شود:

۱- در موارد مذکور در ماده ۱۳ حسب مورد دادگاه بدوی یا تجدیدنظر با احراز شرایط، طرفین را جهت انتخاب داور و مدت داوری دعوت می‌کند. چنانچه طرفین در انتخاب داور یا مدت داوری به توافق نرسند، دادگاه رأساً در همان جلسه ضمن تعیین مدت داوری، داور واجد شرایط را انتخاب و به طرفین ابلاغ می‌کند. طرفین می‌توانند تا ده روز از تاریخ ابلاغ، داور را با ذکر دلیل جرح کنند. در صورتی که دادگاه جرح مطرح شده را وارد تشخیص دهد نسبت به معرفی داور جایگزین اقدام می‌کند. دادگاه پس از تعیین داور و اخذ قبولی و انقضای مهلت جرح، نام و نام خانوادگی و سایر مشخصات طرفین و موضوع اختلاف و نام و نام خانوادگی داور و مدت داوری را به داور و طرفین ابلاغ می‌نماید.

۲- دادگاه بدوی یا تجدیدنظر، پس از ابلاغ تصمیم ارجاع دعوا به داوری، رسیدگی به دعوا را تا اتخاذ تصمیم از مرجع داوری متوقف می‌کند. پس از صدور رأی داور و قطعی شدن آن، چنانچه پرونده اصلی در دادگاه بدوی مطرح باشد دادگاه قرار رد دادخواست و چنانچه پرونده به دلیل تجدیدنظرخواهی یکی از طرفین در دادگاه تجدیدنظر مطرح باشد، دادگاه ضمن نقض دادنامه بدوی قرار رد دادخواست خواهان را صادر می‌نماید. تجدیدنظرخواهی از قرار رد دادخواست که از دادگاه بدوی در این خصوص صادر می‌شود در صورتی است که حکم راجع به اصل دعوا قابل تجدیدنظرخواهی باشد.

۳- در صورتی که رأی داور در مدت مقرر صادر نشود یا رأی داور به موجب حکم قطعی ابطال گردد، دادگاه رسیدگی به دعوا را برابر مقررات ادامه می‌دهد.

۴- در مواردی که پرونده در دیوانعالی کشور مطرح است، پس از صدور رأی داور و قطعی شدن آن یا در صورتی که رأی داور در مدت مقرر صادر نشود یا رأی داور به موجب حکم قطعی ابطال گردد، دادگاه مرجوع الیه پرونده را جهت اتخاذ تصمیم به شعبه دیوانعالی کشور ارسال می‌کند. شعبه دیوان حسب مورد نسبت به نقض بلارجاع یا ادامه رسیدگی و اتخاذ تصمیم اقدام می‌کند.

۵- در موارد فوق، مدیریت فرایند داوری با دادگاه ارجاع کننده دعوا به داوری است. تصمیمات دادگاه در مورد مدیریت فرایند داوری قطعی است.

۶- تراضی طرفین برای رجوع به داوری در خصوص دعوای مطروح در دادگاه خارج از ترتیبات مذکور در ماده ۱۳ این قانون در هر مرحله‌ای که باشد به منزله استرداد دادخواست بدوی است. در این صورت دادگاه قرار ابطال دادخواست صادر می‌کند. چنانچه دعوا در مرحله رسیدگی در دادگاه تجدیدنظر یا دیوانعالی کشور باشد، حسب مورد دادگاه تجدیدنظر یا شعبه دیوان ضمن نقض رأی، قرار مقتضی صادر می‌کند. چنانچه در خصوص دعوای مذکور علاوه بر رأی داوری و رأی دادگاه نیز صادر و قطعی شده باشد، مورد از موجبات اعاده دادرسی است. که در این صورت پس از قبول اعاده دادرسی رأی دادگاه در موارد مغایرت با رأی داوری نقض و بلااثر می‌شود.

فصل چهارم - مدت داوری

ماده ۱۵- تعیین و تمدید مدت داوری

۱۱- مدت داوری در هر دعوا با توافق طرفین تعیین می‌شود و اگر توسط طرفین تعیین نشده باشد، پنج ماه است. در مواردی که دعوا از سوی دادگاه به داوری ارجاع می‌شود، چنانچه طرفین در مورد مدت داوری توافق نکرده باشند، توسط دادگاه تعیین می‌گردد. مدت انجام کارشناسی که توسط داور تعیین می‌شود، مشروط بر اینکه مهلت کارشناسی مشخص و به طرفین و کارشناس ابلاغ شده باشد جزو مدت داوری محاسبه نمی‌گردد. داور باید در مدت داوری رأی خود را صادر و حسب مورد به طرفین ابلاغ یا به مرجعی که امر ابلاغ را به عهده دارد، تسلیم نماید.

۲- مدت داورى همواره با تراضی صریح طرفین یا عملی که بیانگر تراضی آنها باشد، قابل تمدید است. در صورتی که طرفین تمدید مدت داورى را منع نکرده باشند، داور در صورت لزوم می‌تواند مدت داورى را حداکثر برای یک ماه تمدید کند مشروط به اینکه قبل از انقضای مدت داورى تصمیم خود را با ذکر دلیل به طرفین ابلاغ کند. در مواردی که دعوا از سوى دادگاه به داورى ارجاع شده است، دادگاه می‌تواند در صورت ضرورت به درخواست داور یک بار مدت داورى را تمدید و به طرفین و داور ابلاغ کند.

۳- شروع مدت داورى در هر دعوا جز در مواردیکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند بر اساس قواعد زیر تعیین می‌شود:

الف- در مواردی که دعوا توسط دادگاه به داورى ارجاع می‌شود، تاریخ ابلاغ به داور یا قبول داور هرکدام که مؤخر باشد ابتدای مدت داورى است؛

ب- در سایر موارد، تاریخ قبولی داور یا تاریخ تقدیم درخواست داورى به داور، هر کدام که مؤخر باشد ابتدای مدت داورى است؛

پ- در صورتی که تعداد داوران بیش از یک نفر باشد، حسب مورد تاریخ ابلاغ یا تاریخ قبولی یا تاریخ تقدیم درخواست داورى به همه داوران هر کدام که مؤخر باشد منوط اعتبار است؛

ت- در مواردی که درخواست داورى فاقد شرایط لازم باشد، تاریخ تکمیل و رفع نقص، تاریخ تقدیم درخواست داورى محسوب می‌شود، مشروط بر اینکه داور موارد نقص را صریحاً به خواهان داورى ابلاغ کرده باشد؛

فصل پنجم- شرایط، نحوه انتخاب و تشریفات جرح داور

ماده ۱۶- تعداد داوران

تعداد داوران بر مبنای توافق طرفین تعیین می‌شود. چنانچه تعداد داوران توسط طرفین تعیین نشده باشد، داور واحد تعیین می‌شود مگر اینکه طرفین به هیأت داورى تصریح کرده باشند یا حسب مورد دادگاه یا مقام

ناصب با توجه به اوضاع و احوال دعوی از قبیل موضوع، میزان و نوع خواسته رسیدگی توسط هیأت داوران را لازم بداند که در این صورت هیأت مزبور به عدد فرد تعیین می‌شود.

ماده ۱۷- اشخاص ممنوع از داوری

هیچ کس از انتخاب شدن به عنوان داور ممنوع نیست مگر در مواردی که در این قانون تصریح شده است. اشخاص زیر هر چند با تراضی طرفین نمی‌توانند به عنوان داور انتخاب شوند و در صورت انتخاب شدن نیز مکلفند از انجام داوری امتناع کنند:

۱- اشخاصی که فاقد اهلیت قانونی هستند؛

۲- اشخاصی که به موجب حکم قطعی دادگاه یا مراجع قانونی از داوری محروم شده‌اند از تاریخ محرومیت مذکور

۳- دارندگان پایه قضایی و کارکنان شاغل در دادگاهها به استثنای داوری موردی که قبل از بروز اختلاف به عنوان داور انتخاب شده باشند؛

۴- کارکنان شاغل در دستگاههای اجرایی مشمول ماده ۲۹ قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴/ ۱۲/ ۱۳۹۵، در دعاوی دستگاههای اجرایی متبوع خود.

۵- اشخاصی که در دعوا مستقیماً ذینفع باشند؛

۶- اشخاصی که نسبت به یکی از طرفین دارای سمت باشند شامل اعضای هیأت مدیره، مدیرعامل، ولی، وصی و قیم؛

تبصره- تابعیت اشخاص مانع انتخاب آنها به عنوان داور نمی‌شود مگر اینکه قانون تصریح کرده باشد.

ماده ۱۸- استقلال و بی‌طرفی داور و تکلیف افشا

۱-مقام ناصب نمی‌تواند اشخاصی را که به هر دلیل استقلال یا بی طرفی ایشان مورد تردید موجه باشد به عنوان داور انتخاب کند.

۲-شخصی که به عنوان داور انتخاب می‌شود قبل از قبول داوری باید وجود هر یک از شرایط مندرج در ماده ۱۷ یا هرگونه اوضاع و احوالی را که ممکن است در مورد بی‌طرفی یا استقلال وی تردید موجه ایجاد کند، یا موجبات جرح وارد شود، حسب مورد به مقام ناصب یا طرفین کتباً اعلام کند. هم چنین داور باید از زمان انتخاب و در طول جریان داوری بروز چنین اوضاع و احوال یا حدوث هر یک از موانع مذکور را بدون تاخیر به طرفین اعلام کند. در غیر اینصورت مسئول جبران خساراتی است که در اثر انجام داوری به هر یک از طرفین وارد می‌شود.

ماده ۱۹- نحوه انتخاب داور و داور جانشین

۱- چنانچه در موافقت‌نامه داوری، تعداد داور معین نشده باشد یا انجام داوری توسط داور واحد مقرر شده باشد، داور واحد با موافقت طرفین تعیین می‌شود.

۲- چنانچه مقرر شده باشد هیأت داوران تعیین شود، هر طرف داور خود را انتخاب می‌کند و داوران منتخب سرداور را تعیین می‌کنند مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

۳- در مواردی که چند خواهان یا چند خوانده وجود داشته باشد چنانچه مقرر شده باشد داوری توسط داور واحد انجام شود، داور واحد با موافقت همه خواهانها و خواندگان تعیین می‌شود و اگر مقرر باشد هیأت داوران تعیین شود، همه خواهانها داور اختصاصی خود و همه خواندگان داور اختصاصی خود را تعیین می‌کنند و داوران منتخب، سرداور را تعیین می‌کنند مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند. هرگاه در مورد انتخاب داور توسط خواهانها یا خواندگان توافق نشود یا در مورد خواهان یا خوانده بودن یک یا چند طرف داوری اختلاف باشد، به درخواست هر یک از طرفین، داور مطابق بند(۶) این ماده توسط دادگاه انتخاب می‌شود.

۴- طرفین باید در موافقت‌نامه داوری یا به موجب توافق جداگانه داور یا مقام ناصب یا سازمان داوری را به طوری که رافع اشتباه باشد تعیین کنند. در غیر اینصورت چنانچه طرفین نتوانند در تعیین داور توافق کنند، خواهان باید حسب مورد مشخصات داور واحد مورد نظر یا داور اختصاصی خود یا سرداور پیشنهادی شامل نام و نام خانوادگی، شغل، سن، و نشانی او را، طی اظهارنامه رسمی به طرف مقابل اعلام کند. چنانچه خوانده ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه، موافقت خود را با داور واحد یا سرداور پیشنهادی اعلام نکند یا داور اختصاصی خود را معرفی نکند یا بدون موافقت با سرداور پیشنهادی فقط داور اختصاصی خود را معرفی کند و یا داوران اختصاصی ظرف ده روز از تاریخ تعیین آخرین داور اختصاصی نسبت به تعیین سرداور به توافق نرسند، حسب مورد داور یا داوران به درخواست متقاضی توسط کانون داوری ذی صلاح و در صورت عدم تشکیل کانون داوری ذی صلاح توسط دادگاه صالح انتخاب می‌شوند.

۵- نحوه انتخاب داور در داوری سازمانی تابع آئین داوری سازمان داوری مرجوع‌الیه است و در صورتی که طرفین تعیین داور را به مقام ناصب واگذار کرده باشند، مقام ناصب پس از درخواست یکی از طرفین با در نظر گرفتن شرایط توافقی طرفین و قواعد آمره قانونی، داور واجد شرایط را ظرف مهلت مقرر در توافقنامه داوری و در صورت عدم تعیین مهلت ده روز از تاریخ درخواست هر یک از طرفین تعیین و پس از اخذ قبولی او، به طریق مقتضی با ذکر مشخصات داور منتخب و نشانی وی به نحوی که رافع اشتباه باشد به طرفین ابلاغ می‌کند. متقاضی باید در درخواست نصب داور موضوع اختلاف یا خواسته و مشخصات طرفین و نشانی آنها را ذکر کند. در صورتیکه مقام ناصب نخواهد یا نتواند ظرف ده روز از تاریخ درخواست به وظیفه خود عمل کند یا تعیین داور توسط او غیرممکن باشد، به درخواست هر یک از طرفین داور مطابق بند ۶ این ماده توسط دادگاه تعیین می‌شود.

۶- در مواردی که طرفین توافق کرده باشند که دادگاه به عنوان مقام ناصب نسبت به نصب داور اقدام کند و همچنین در مواردی که مطابق این ماده تعیین داور از دادگاه درخواست می‌شود، دادگاه در وقت فوق‌العاده داور واجد شرایط را انتخاب و به طرفین ابلاغ می‌کند. طرفین می‌توانند تا ده روز از تاریخ ابلاغ، اعتراض خود راجع موافقتنامه داوری یا ایراد جرح داور را با ذکر دلیل به دادگاه اعلام نمایند. هرگاه نسبت به اعتبار موافقت‌نامه داوری بین طرفین اختلافی باشد دادگاه ابتدا به آن رسیدگی و اظهار نظر می‌نماید و در

صورتیکه جرح مطرح شده را وارد تشخیص دهد با رعایت ترتیبات فوق نسبت به معرفی داور جایگزین اقدام می‌کند. دادگاه پس از احراز اعتبار موافقتنامه داوری و تعیین داور و اخذ قبولی و انقضای مهلت ایراد، نام و نام خانوادگی و سایر مشخصات طرفین و موضوع اختلاف را به داور و طرفین ابلاغ می‌کند. تصمیم دادگاه در مورد اعتبار موافقتنامه داوری و ایراد جرح و تعیین داور، قطعی است.

۷- در صورتی که داور شخص معین نباشد، هرگاه ماموریت داور به جهت جرح، فوت، حجر یا به علت کناره‌گیری یا با توافق طرفین خاتمه پذیرد یا به موجب قانون یا عملاً قادر به انجام وظایف خود نباشد، داور جانشین مطابق مقررات حاکم بر تعیین همان داور که تغییر می‌یابد، تعیین می‌شود.

ماده ۲۰- احراز قبولی داور

پس از انتخاب داور، قبولی وی باید اخذ شود. قبولی داور با امضای موافقتنامه داوری یا هر سند دیگری که متضمن نام وی به عنوان داور است یا اقدام عملی داور به انجام داوری احراز می‌گردد. در مواردی که داور قبل از درخواست داوری قبولی خود را اعلام نکرده باشد و ظرف یک هفته از تاریخ تقدیم درخواست داوری به وی، قبولی خود را کتباً به طرفین اعلام نکند، به منزله عدم قبولی است.

ماده ۲۱- عزل، بقا و زوال سمت داور

۱- پس از تعیین داور، هیچ یک از طرفین مستقلاً حق عزل وی را ندارد، مگر با تراضی کتبی با طرف مقابل. مفاد این ماده در خصوص داور اختصاصی هر یک از طرفین نیز مجری است.

۲- داوری که در اجرای موافقتنامه داوری به هر نحو تعیین می‌شود، در همه دعاوی مرتبط با موضوع موافقتنامه مذکور مجاز به داوری است مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده یا داور منتخب صراحتاً قبولی خود را منحصر به دعوای خاصی اعلام کرده باشد که در این صورت تعیین داور در دعوای دیگر مطابق مقررات این فصل خواهد بود.

۳- سمت داور منتخب مقام ناصب یا دادگاه و همچنین سمت داوری که در فرآیند داوریه‌های سازمانی با توافق طرفین یا توسط سازمان مرجوع الیه به این سمت منصوب می‌شود، منحصر به همان دعوای ارجاع شده به داور و دعوای طاری مرتبط با آن دعوا است. انتخاب مجدد داور در موارد فوق بلامانع است.

ماده ۲۲ - جهات و تشریفات جرح

۱- جهات جرح عبارت از فقدان شرایط قانونی مندرج در مواد ۱۷ و ۱۸ و ۶۷ این قانون یا فقدان شرایط قراردادی مورد توافق طرفین است. هر طرف صرفاً به استناد عللی که پس از تعیین داور از آنها مطلع شده، می‌تواند داوری را که خود تعیین کرده و یا در جریان تعیین او مشارکت داشته است، جرح کند.

۲- طرفین می‌توانند در مورد تشریفات جرح داور توافق کنند. در صورت عدم توافق، جز در موارد مذکور در بند (۱) ماده (۱۴) این قانون طرفی که قصد جرح دارد باید ظرف ده روز از تاریخ شروع داوری یا در صورتی که جهات جرح داور در جریان داوری حادث یا کشف شود، ظرف ده روز از تاریخ اطلاع، ایراد جرح را با ذکر دلایل آن به داور اعلام کند. داور در مورد جرح ظرف ده روز اتخاذ تصمیم می‌کند.

۳- چنانچه داور ایراد جرح را وارد نداند، باید تصمیم خود را به ایراد کننده ابلاغ کند. این تصمیم ظرف بیست روز توسط ایراد کننده حسب مورد قابل اعتراض نزد مقام ناصب یا دادگاه صالح است. دادگاه خارج از نوبت به اعتراض رسیدگی و در خصوص جرح اتخاذ تصمیم می‌کند. تصمیم مقام ناصب یا دادگاه صالح در این مورد قطعی است.

۴- پذیرش جرح داور توسط طرف دیگر، موجب سلب سمت داور می‌شود و این مورد به منزله قبول جهات جرح نیست.

۵- رسیدگی به ادعای جرح نزد مقام ناصب یا دادگاه تا وقتی که ایراد جرح مورد پذیرش قرار نگرفته است، مانع رسیدگی داور و صدور رأی داوری نیست.

فصل ششم - جریان داوری

ماده ۲۳ - نمایندگی و وکالت در داوری

هر یک از طرفین می‌تواند حداکثر دو نفر را به عنوان وکیل یا نماینده خود با ذکر مشخصات کامل به داور یا سازمان داوری معرفی کند. وکالت و نمایندگی در داوری بدون اینکه نیاز به تصریح داشته باشد شامل تمام اختیارات راجع به امر داوری است مگر آنچه را که موکل یا اصیل استثناء کرده یا توکیل و نمایندگی در آن خلاف قانون باشد. احراز سمت نمایندگی یا وکالت با داور است. پس از معرفی وکیل یا نماینده، کلیه ابلاغها و اوراق به وکیل یا نماینده معرفی شده ابلاغ می‌شود مگر اینکه شخص اصیل ترتیب دیگری مقرر کرده باشد.

ماده ۲۴- درخواست داوری و ابلاغ آن

۱- داور وقتی به دعوا رسیدگی می‌کند که شخص یا اشخاص ذی‌نفع یا وکیل یا قائم‌مقام یا نماینده قانونی آنان رسیدگی به دعوا را از داور درخواست کرده باشند. درخواست داوری علاوه بر داشتن شرایط مقرر بین طرفین باید مشتمل بر مشخصات طرفین، موافقتنامه داوری مورد استناد، خواسته و جهاتی که به موجب آن خواهان خود را مستحق می‌داند و در دعاوی بهای خواسته باشد.

۲- در صورتی که درخواست داوری در زمان تقدیم، فاقد شرایط مقرر در بند (۱) این ماده باشد، داور باید به نحو مقتضی از خواهان بخواهد تا موارد را تکمیل کند و درخواست داوری تا زمان رفع نقص قابل ترتیب اثر نیست و چنانچه در مهلت مقرر که کمتر ده روز نخواهد بود، تکمیل نشود، قرار ابطال درخواست صادر می‌شود.

۳- هریک از طرفین می‌تواند درخواست داوری یا دفاع خود را در طول رسیدگی اصلاح یا تکمیل کند یا خواسته را کاهش یا افزایش دهد مگر اینکه بین طرفین ترتیب دیگری مقرر شده باشد یا داور اصلاح یا تکمیل یا افزایش خواسته را با توجه به ماهیت دعوا و سایر اوضاع و احوال موجب تأخیر در رسیدگی یا تبعیض نسبت به طرف دیگر تشخیص دهد و آن را نپذیرد. چنانچه درخواست مذکور پذیرفته شود مراتب باید به طرف مقابل ابلاغ و فرصت دفاع به وی داده شود.

۴- طرفین باید اسناد و مدارک و سایر ادله خود را به داور ارائه کنند. داور نیز می‌تواند توضیحات لازم را از آنان بخواهد و در صورت ضرورت از اماراتی از قبیل معاینه محلی و تحقیق محلی، استماع گواهی گواهان

و اخذ نظر کارشناسی و بررسی کالا استفاده کند. در صورتی که اسناد ضمیمه درخواست دآوری یا لایحه تفصیلی یا دفاعی و هرگونه سند دیگر که در جریان رسیدگی تسلیم می‌شود به زبانی غیر از زبان دآوری باشد، ارائه کننده سند یا لایحه باید همراه با آن ترجمه اسناد مذکور را به زبان منتخب در دآوری ارایه کند. عدم اجرای تکلیف فوق از سوی ارائه کننده اسناد یا لوایح در موعد مقرر، به منزله عدول از این اسناد یا لوایح است.

۵- کلیه لوایح، مدارک و سایر دلایلی که ممکن است، داور هنگام اتخاذ تصمیم به آنها استناد کند، به طرفین ابلاغ می‌شود.

ماده ۲۵ - قصور طرفین

۱- در صورتی که خواننده بدون عذر موجه در تقدیم دفاعیه قصور کند داور رسیدگی را ادامه خواهد داد، بدون اینکه کوتاهی مزبور فی نفسه به معنای قبول ادعای خواهان توسط خواننده تلقی شود.

۲- اگر هر یک از طرفین از حضور در جلسه استماع و یا ارایه ادله مورد استناد خویش خودداری کند داور می‌تواند رسیدگی را ادامه دهد و براساس مدارک موجود به صدور رأی مبادرت کند.

ماده ۲۶- احتساب مواعد و احراز ابلاغ

۱- موعدی که ابتدای آن، تاریخ ابلاغ یا اعلام ذکر شده است، روز ابلاغ و اعلام و همچنین روز اقدام جزء مهلت محسوب نمی‌شود. چنانچه روز آخر موعد در محل ابلاغ مخاطب مصادف با روز تعطیل رسمی یا غیر کاری باشد، روز بعد از آن آخر موعد خواهد بود.

۳- گواهی داور که مستند به دلیل مثبت ابلاغ باشد و گواهی سازمان دآوری مبنی بر ابلاغ اوراق، دعوت‌نامه‌ها یا رأی داور در مواردی که انجام آن با داور یا سازمان دآوری باشد معتبر است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

ماده ۲۷- اداره فرایند دآوری

مدیریت فرایند داوری مانند هماهنگی، سازماندهی، تعیین یا نصب داور، رسیدگی به جرح، ابلاغ اوراق و دعوت از طرفین در داوری‌های سازمانی به عهده سازمان و در داوری‌های موردی به جز موارد مذکور در بند (۵) ماده (۱۴) این قانون حسب مورد به عهده داور یا سرداور است.

ماده ۲۸- مقر و محل داوری

مقر داوری با توافق طرفین تعیین می‌شود و در صورت عدم توافق، در داوری‌های سازمانی چنانچه مقرره‌ی دیگری نداشته باشد مقر، سازمان و در داوری‌های موردی اعم از اینکه منتخب دادگاه یا طرفین باشد، محلی که داور تعیین می‌کند و در صورت عدم تعیین حسب مورد اقامتگاه داور یا سرداور مقر داوری است.

رسیدگی داور در مقر داوری یا محل مورد توافق طرفین یا در محلی که داور تعیین می‌کند انجام می‌شود. داور می‌تواند برای شور بین اعضاء، استماع شهادت شهود و کارشناسان طرفین یا بازرسی کالا و سایر اموال و یا اسناد و مدارک، در هر محلی که خود مقتضی بداند تشکیل جلسه دهد، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند. صرف تشکیل جلسات رسیدگی در محلی که طرفین یا داور مقتضی بدانند تغییر مقر داوری محسوب نمی‌شود.

ماده ۲۹- اتخاذ تصمیم در مورد صلاحیت داور

۱- تشخیص صلاحیت داور به عهده خود اوست. داور در مورد وجود یا اعتبار موافقت‌نامه داوری نیز اتخاذ تصمیم می‌کند.

۲- ایراد به صلاحیت داور باید قبل از دفاع ماهیتی مطرح شود. صرف تعیین و یا مشارکت در تعیین داور توسط هر یک از طرفین مانع از ایراد صلاحیت نخواهد بود. ایراد به خروج داور از حدود صلاحیت در جریان رسیدگی داوری باید فوراً بعد از بروز و اطلاع از آن عنوان شود. داور می‌تواند ایراد خارج از مهلت را در صورتیکه تاخیر را موجه تشخیص دهد بپذیرد.

۳- داور می‌تواند به عنوان یک امر مقدماتی در خصوص ایراد به صلاحیت یا وجود و یا اعتبار موافقت‌نامه داوری اقدام به صدور رأی کند یا ضمن رأی داوری در خصوص آن اظهارنظر کند، مگر آنکه طرفین به نحو

دیگر توافق کرده باشند. چنانچه داور به عنوان یک امر مقدماتی بر صلاحیت خود یا وجود و اعتبار موافقت‌نامه داورى نفيّاً یا اثباتاً رأی دهد، هر یک از طرفین می‌تواند ظرف ده روز پس از ابلاغ، از این رأی نزد دادگاه صالح شکایت کند. دادگاه مکلف است خارج از نوبت به این شکایت رسیدگی و رأی مقتضی صادر کند. رأی دادگاه قطعی است. این شکایت تا وقتی که ایراد صلاحیت مورد پذیرش دادگاه قرار نگرفته است، مانع ادامه رسیدگی داور نیست.

ماده ۳۰- ارجاع به کارشناس

۱- داور می‌تواند راساً یا به درخواست هریک از طرفین دعوا در صورتی که ارجاع به کارشناسی را ضروری تشخیص دهد قرار ارجاع امر به کارشناس صادر کند. در قرار کارشناسی، موضوعی که نظر کارشناس نسبت به آن لازم است و نام و نام خانوادگی کارشناس و شماره تلفن او و نیز مهلتی که کارشناس باید اظهار عقیده کند، تعیین و به کارشناس و طرفین ابلاغ می‌گردد و همچنین داور می‌تواند مقرر کند که هر کدام از طرفین هرگونه اطلاعات مرتبط را در اختیار کارشناس قرار دهند و موجبات دسترسی وی را به مدارک مربوط، کالا، یا سایر اموال برای انجام بازبینی فراهم آورند، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند. تمدید مهلت اظهارنظر کارشناسی به تقاضای کارشناس در صورتی که داور آن را ضروری تشخیص دهد بلامانع است

۲- داور حق الزحمه کارشناس را با رعایت تعرفه‌های قانونی و با توجه به کمیت و کیفیت و ارزش کار تعیین می‌کند. هرگاه بعد از اظهار نظر کارشناس معلوم گردد که حق الزحمه تعیین شده متناسب نبوده است، مقدار آن را به طور قطعی تعیین و دستور پرداخت آن را می‌دهد. پرداخت دستمزد کارشناس در مواردی که داور راساً ارجاع به کارشناسی را ضروری بداند به عهده خواهان داورى و در غیر اینصورت به عهده متقاضی کارشناسی است.

۳- در صورتی که مسئول پرداخت هزینه کارشناسی از پرداخت آن امتناع کند، داور با توجه به سایر ادله رأی مقتضی صادر می‌کند.

۴- کارشناس مکلف است نظریه کارشناسی خود را در مهلت تعیین شده به داور تقدیم کند. چنانچه داور کارشناسی را ناقص تشخیص دهد، قرار تکمیل آن را صادر و با تعیین مهلت به کارشناس و طرفین ابلاغ می‌کند. همچنین در صورتی که داور ضروری تشخیص دهد، کارشناس باید در جلسه استماع نیز شرکت کند و به سؤالات پاسخ بگوید.

۵- هرگاه کارشناس بدون عذر موجه از قبول کارشناسی خودداری کند یا ظرف مهلت مقرر نظر کارشناسی یا نظریه تکمیلی را کتباً به داور تقدیم نکند، یا در جلسه استماع شرکت نکند، داور تخلف وی را به مرجع صلاحیتدار اعلام می‌کند.

ماده ۳۱- اسناد و اطلاعات نزد ثالث

هرگاه دسترسی به سند یا اطلاعات مرتبط به دعوا نزد دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۲۹) قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران یا سایر اشخاص حقوقی حقوق عمومی و حقوق خصوصی مؤثر در موضوع تشخیص داده شود، به شرح زیر اقدام می‌گردد:

۱- در داورهای سازمانی، سازمان دآوری می‌تواند با ذکر مشخصات اصحاب دعوا اطلاعات مورد نیاز را از مراجع مذکور استعلام یا تصویر اسناد را مطالبه کند و مخاطب جز در مواردی که ابراز سند با مصالح امنیتی کشور و یا نظم عمومی منافات داشته باشد، در حدود قوانین و مقررات به استعلام‌های ارسالی پاسخ خواهد داد.

۲- در داورهای موردی، داور می‌تواند از دادگاه صالح استعلام اطلاعات مورد نیاز یا اخذ تصویر اسناد از دستگاهها و اشخاص حقیقی یا حقوقی را درخواست کند. دادگاه خارج از نوبت، دستور مقتضی صادر می‌کند.

۳- پاسخگویی به استعلامات موضوع این ماده حسب مورد تخلف اداری محسوب می‌شود در صورت ورود خسارت به طرفین موجب محکومیت مستنکف به جبران خسارت وارده می‌شود.

ماده ۳۲- امتناع یا استغای داور

اگر یکی از اعضای هیأت داورى استعفا دهد یا از دادن رأی امتناع کند و یا در جلسه داورى حضور پیدا نکند، داوران دیگر به موضوع رسیدگی و رأی می‌دهند. در صورتی که داور واحد یا اکثریت هیأت داوران تغییر کند و با نظر اکثریت تجدید رسیدگی ضروری نباشد، با توجه به لوایح طرفین و رسیدگی‌های انجام شده رسیدگی ادامه می‌یابد و رأی مقتضی صادر می‌شود. در هر حال مدت داورى به این سبب افزایش نمی‌یابد مگر اینکه باقیمانده مدت داورى کمتر از سه ماه باشد که در این صورت داور یا هیأت داورى مکلف است ظرف مدت سه ماه رأی داورى را صادر کند.

ماده ۳۳- تشکیل جلسه استماع و ارزیابی ادله

۱- تشخیص ضرورت تشکیل جلسه استماع با داور است. چنانچه یکی از طرفین در زمان مناسب درخواست تشکیل جلسه کند، برگزار کردن یک نوبت جلسه استماع الزامی است. دعوت به جلسه از سوی داور باید به گونه‌ای باشد که فرصت کافی برای حضور و دفاع هر یک از طرفین وجود داشته باشد. این مهلت در هر حال کمتر از پنج روز و برای اشخاص مقیم خارج از ایران کمتر از ۱۰ روز نخواهد بود. عدم حضور هر یک طرفین مانع رسیدگی و صدور رأی نیست.

۲- هرگاه حل اختلاف به عهده هیأت داورى باشد، همه داوران باید از جلسه‌ای که برای رسیدگی یا مشاوره و یا صدور رأی تشکیل می‌شود مطلع باشند. هر گونه اتخاذ تصمیم هیأت داورى و نحوه تشکیل جلسه و رسیدگی و دعوت برای حضور در جلسه با رأی اکثریت اعضا انجام می‌شود مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند. مکاتبات سرداور در موارد فوق، در صورتی ممکن است که چنین اجازه‌ای از سوی هیأت داورى به وی داده شده باشد.

۳- اگر داور از شرکت در جلسه هیأت داورى یا دادن رأی یا امضای آن امتناع کند، در صورتیکه که طرفین به ترتیب دیگری توافق نکرده باشند، رأیی که با اکثریت صادر می‌شود مناط اعتبار است. مراتب نیز باید در برگ رأی قید گردد.

۴- داور می‌تواند با استفاده از ابزارها یا نرم‌افزارهای الکترونیکی یا در هر قالب مناسب دیگر که امکان ارتباط تصویری همزمان و احراز هویت شرکت کنندگان فراهم و قابل اثبات باشد، جلسه استماع را برخط یا از راه دور تشکیل دهد، مشروط بر اینکه ابزار یا نرم‌افزار و روش و زمان ارتباط با مشورت طرفین به نحو مقتضی به اطلاع طرفین و دیگر افرادی که باید در جلسه شرکت کنند رسیده باشد. عدم شرکت هر یک از افراد در جلسه استماع بر خط، مانع رسیدگی داور نیست.

۵- در ارزیابی ادله و امارات داور همان اختیاری را دارد که دادگاه دارد.

ماده ۳۴- توقف رسیدگی داور

جریان داوری پیش از ختم رسیدگی، در موارد زیر متوقف می‌گردد و مدت توقف جزء مدت داوری محسوب نمی‌شود:

۱- هرگاه ضمن رسیدگی مسایلی کشف شود که مربوط به وقوع جرمی باشد و در رأی داور مؤثر بوده و تفکیک جهات مدنی از جزایی ممکن نباشد و همچنین در صورتی که رسیدگی به دعوا منوط به اثبات ادعایی باشد که رسیدگی به آن در صلاحیت مرجع دیگری است، رسیدگی داور، از تاریخ اتخاذ تصمیم در این خصوص تا صدور رأی نهایی از مرجع صلاحیت‌دار متوقف می‌گردد. در این صورت داور به طرف استناد کننده ابلاغ می‌کند ظرف یک ماه روز گواهی طرح دعوا یا شکایت را حسب مورد از مرجع صلاحیت دار دریافت و به داور ارائه کند، در غیر این صورت جریان داوری پس از انقضای مدت یک ماه ادامه خواهد یافت. پس از ابلاغ حکم نهایی به داور توسط طرفین یکی از آنها رسیدگی ادامه می‌یابد. ادعای جعل و تزویر در سند بدون تعیین عامل آن و یا در صورتی که تعقیب وی به جهتی از جهات قانونی ممکن نباشد مشمول این بند نیست؛

۲- در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی یکی از طرفین، رسیدگی داور حسب مورد از تاریخ فوت یا حجر یا ورشکستگی تا تعیین و معرفی وراثت یا قیم یا مدیر تصفیه متوقف می‌گردد و مدت توقف در مدت داوری محاسبه نمی‌شود. همچنین در صورتی که تا سه ماه از تاریخ فوت یا تصدور حکم حجر یا ورشکستگی، وراثت یا قیم یا مدیر تصفیه به داور معرفی نشود، داور مکلف است به تقاضای خواهان داوری،

رأی به خاتمه دآوری صادر کند. در این صورت خواهان می‌تواند دعوای خود را در مرجع صالح قضایی اقامه کند؛

۳- در موارد خاتمه مأموریت داور مطابق بند ۷ ماده ۱۹ این قانون، از تاریخ حدوث هر یک از جهات تا تاریخ تعیین داور جانشین رسیدگی متوقف می‌شود.

ماده ۳۵ - انصراف از دآوری

انصراف از درخواست دآوری نسبت به تمام یا بخشی از خواسته تا قبل از اعلام ختم رسیدگی توسط داور، بلامانع است. انصراف از دآوری پس از اعلام ختم رسیدگی توسط داور، منوط به موافقت طرف مقابل یا انصراف کلی از حق مورد ادعا است. داور مکلف است در صورت **انصراف از درخواست دآوری یا موافقت طرفین با رعایت ترتیبات فوق** ختم دآوری را اعلام و در صورت انصراف کلی از حق مورد ادعا رأی به سقوط دعوا صادر کند. **اعلام ختم دآوری در موارد مذکور** مانع طرح مجدد **دعوا** نزد مرجع دآوری نیست. در صورت صدور رأی به سقوط دعوا طرح مجدد آن در **مرجع دآوری یا دادگاه** قابل استماع نیست. انصراف از درخواست دآوری مانع مطالبه حق الزحمه داور به نسبت اقدامات انجام شده و هزینه‌ها و خسارات وارده به طرف مقابل نیست.

ماده ۳۶ - دعوای طاری

۱- خوانده دآوری می‌تواند در مقابل ادعای خواهان، دعوای متقابل اقامه کند. در صورتی که دعوای متقابل در چارچوب موافقتنامه دآوری در صلاحیت داور باشد، داور مکلف به رسیدگی است و در غیر این صورت رسیدگی به دعوای متقابل توسط داور در صورتی ممکن است که موافقت صریح یا ضمنی خواهان اصلی احراز گردد. ترتیب رسیدگی به دعوای متقابل همانند رسیدگی به دعوای اصلی است. دعوای متقابل موجب تمدید مدت دآوری دعوای اصلی نخواهد شد و چنانچه داور در مدت دآوری نتواند به دعوای متقابل رسیدگی کند، می‌تواند دعوای متقابل را از دعوای اصلی تفکیک کرده و به طور جداگانه به آن رسیدگی کند در این صورت مدت دآوری در دعوای متقابل از تاریخ درخواست دعوای مزبور محاسبه می‌شود مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

۲- هرگاه شخص ثالثی در موضوع داوری برای خود مستقلاً حقی قایل باشد و یا خود را در محق شدن یکی از طرفین ذی‌نفع بداند، می‌تواند مادام که ختم رسیدگی اعلام نشده است وارد داوری شود، مشروط بر اینکه موافقتنامه و آئین داوری و داور را بپذیرد. در غیر این صورت به دعوای ثالث برابر مقررات به طور مستقل در دادگاه رسیدگی می‌شود.

۳- جلب شخص ثالث به داوری در صورتی ممکن است که شخص ثالث با آن موافقت کنند، در غیر این صورت به ادعای مذکور برابر مقررات به طور مستقل در دادگاه رسیدگی می‌شود. جلب شخص ثالث به داوری به نحو مذکور به منزله قبول موافقتنامه و آئین داوری و داور توسط شخص ثالث است و تمام آثار آن نسبت به ثالث نیز مجری است.

فصل هفتم - اقدامات تأمینی

ماده ۳۷- قرار موقت و تأمین خواسته

۱- در امور مربوط به موضوع اختلاف که نزد داور مطرح شده و محتاج به تعیین تکلیف فوری است، داور می‌تواند به درخواست خواهان قرار موقت دایر بر توقیف مال یا انجام یا منع از انجام امری را صادر کند. داور مکلف است ضمن قرار، مبلغی که بابت خسارت احتمالی ناشی از اجرای قرار موقت باید سپرده شود تعیین کند. در صورتی که به جهت انصراف خواهان از داوری یا انصراف کلی از حق مورد ادعا یا به دلیل عدم امکان و یا عدم لزوم ادامه رسیدگی حسب مورد رأی به ختم داوری یا سقوط دعوا صادر شود یا در مدت داوری موجب قرار موقت مرتفع گردد، داور قرار موقت را لغو و طبق مقررات به طرفین ابلاغ می‌کند.

۲- خواهان داوری می‌تواند ضمن درخواست داوری راجع به اصل دعوا یا در جریان داوری در مواردی که دعوا مستند به سند رسمی یا اوراق تجاری و اخواست شده برابر مقررات باشد یا خواسته در معرض تضییع یا تفریط باشد یا خواهان خسارتی را که ممکن است به طرف مقابل وارد آید بپردازد از داور درخواست تأمین خواسته نماید و داور مکلف به قبول آن است. در مورد اخیر داور مکلف است ضمن صدور تأمین خواسته مبلغی که بابت خسارت احتمالی ناشی از اجرای تأمین خواسته باید سپرده شود تعیین کند.

ماده ۳۸- اجرای قرار موقت و تأمین خواسته و شکایت از آن

۱- قرار موقت و تأمین خواسته به درخواست ذینفع توسط دادگاه صالح پس از ابلاغ برابر مقررات اجرای رأی داور اجرا می‌شود مگر اینکه داور به دلیل فوریت امر یا تأخیر اجراء باعث تضییع و تفریط یا ورود ضرر غیر قابل جبران اجرای قبل از ابلاغ را در قرار موقت یا تأمین خواسته به نحو مستدل تصریح کرده باشد. متقاضی مکلف است حسب مورد یک نسخه از قرار موقت یا تأمین خواسته و حسب مورد تصویر مصدق از موافقت‌نامه داوری یا گزارش داور مبنی بر وجود موافقت‌نامه داوری براساس بند (۲) ماده (۹) این قانون را به ضمیمه درخواست به دادگاه تسلیم کند.

۲- قرار موقت داور در داوری‌های سازمانی پس از تأیید سازمان داوری و در داوری‌های موردی پس از تأیید رئیس حوزه قضایی و تودیع خسارت احتمالی تعیین شده از طریق توقیف مال یا وجه معادل خسارت تعیین شده در حساب بانکی یا تودیع در صندوق دادگستری، قابل اجرا است. قرار تأمین خواسته نیز در مواردی که مقرر شده است وجهی بابت خسارت احتمالی تودیع شود، پس از تودیع خسارت احتمالی تعیین شده از طریق توقیف مال یا وجه معادل خسارت تعیین شده در حساب بانکی یا تودیع در صندوق دادگستری، قابل اجرا است.

۳- اجرای اقدامات تأمینی صادر شده از مراجع داوری خارجی همانند اجرای آرای داوری خارجی و مطابق معاهدات لازم الاجرا است.

۴- قرار موقت و تأمین خواسته ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ در دادگاهی که دستور اجرا داده است قابل شکایت است. دادگاه در وقت فوق‌العاده به شکایت رسیدگی می‌کند و در صورتی که شکایت را وارد تشخیص دهد حسب مورد قرار موقت یا تأمین خواسته را لغو و از آن رفع اثر می‌کند. تصمیم دادگاه قطعی است.

ماده ۳۹- رفع اثر از قرار موقت و تأمین خواسته

دادگاهی که دستور اجرای قرار موقت یا تأمین خواسته را داده است، در موارد زیر حسب مورد از آن رفع اثر می‌کند:

۱- طرف دیگر، تأمینی بدهد که متناسب با موضوع قرار موقت باشد و داور رفع اثر را ضروری تشخیص داده باشد؛

۲- رأی داور مبنی بر رد یا بی‌حقی یا بطلان یا سقوط دعوای خواهان صادر شود؛

۳- رأی داور در مدت داوری صادر و تسلیم نشود؛

۴- ظرف ۱۰ روز از تاریخ رای به خاتمه داوری، خواهان دعوای خود را در دادگاه اقامه نکند.

۵- داور در مدت داوری قرار موقت و تأمین خواسته را لغو کند؛

۶- جانشین داور متوفی یا محجور یا مستعفی در مدت باقیمانده داوری تعیین نشود؛

۷- رسیدگی داور در موارد مذکور در ماده ۳۵ بیش از سه ماه متوقف بماند و به تشخیص داور رفع اثر از قرار موقت یا تأمین خواسته ضروری باشد؛

۸- رأی داور یا موافقت‌نامه داوری به موجب حکم قطعی ابطال گردد یا بطلان توسط دادگاه اعلام شود یا به تشخیص دادگاه موجب قرار موقت یا تأمین خواسته مرتفع گردد؛

ماده ۴۰- اقدامات تأمینی دادگاه

هر یک از طرفین می‌تواند قبل یا بعد از شروع رسیدگی داوری از دادگاه صالح مطابق قانون، صدور قرار تأمین خواسته یا دستور موقت را تقاضا کند هرچند مقر داوری خارج از ایران باشد. در این صورت، گواهی طرح دعوی نزد داور یا سازمان داوری به منزله گواهی طرح دعوا نزد دادگاه صالح، است. مراجعه به دادگاه برای اخذ دستور موقت یا قرار تأمین خواسته به معنای تخلف از موافقت‌نامه داوری یا انصراف از آن نیست. در صورتی که حسب مورد قرار یا دستور موقت در موضوع واحد یا تأمین خواسته از دادگاه و داور صادر شده باشد، هر کدام که دستور اجرای آن مقدم باشد اجرا می‌شود.

ماده ۴۱- مطالبه خسارت و استرداد وجه خسارت احتمالی

۱- پس از اجرای قرار موقت یا تأمین خواسته در صورت صدور رأی مبنی بر سقوط یا بطلان دعوا یا بی‌حقی خواهان در صورت ابطال رأی داور خوانده داورى حق دارد ظرف ده روز حسب مورد از تاریخ انقضای مدت داورى یا ابلاغ رأی داور مبنی بر خاتمه داورى یا سقوط دعوا، با تسلیم دلایل به دادگاهی که دستور اجرای قرار موقت یا تأمین خواسته را صادر کرده است، خسارتی را که از اجرای قرار موقت یا تأمین خواسته به او وارد شده است مطالبه کند در مطالبه خسارت در این مورد بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی و پرداخت هزینه دادرسی صورت می‌گیرد. مفاد تقاضا به طرف ابلاغ می‌شود تا چنانچه دفاعی داشته باشد ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ با دلایل آن را عنوان کند. دادگاه خارج از نوبت به دلایل طرفین رسیدگی و رأی مقتضی صادر می‌کند. این رأی قطعی است. در صورتی که خسارت ناشی از اجرای قرار موقت یا تأمین خواسته غیر از مورد مذکور در این ماده باشد. زیان دیده حق مطالبه خسارت از مرجع صالح قضائی مطالبه می‌کند.

۲- در صورت لغو قرار موقت یا تأمین خواسته تا قبل از اجرای آن یا پس از قطعی شدن رأی محکومیت خوانده داورى یا در صورتی که خوانده در مهلت مقرر در بند (۱) این قانون مطالبه خسارت نکند، به دستور دادگاه وجهی که بابت خسارت احتمالی سپرده شده است به درخواست خواهان به او مسترد می‌شود.

فصل هشتم: رأی داور و ابلاغ آن

ماده ۴۲- ختم رسیدگی

داور می‌تواند پس از احراز اینکه طرفین از فرصت کافی و معقول برای ارائه مطالب و دفاع برخوردار شده‌اند، ختم رسیدگی را اعلام کند. پس از اعلام ختم رسیدگی هیچ‌گونه ادعا یا دفاع جدیدی از طریق پذیرفته نمی‌شود، داور می‌تواند در صورت تعدد دعاوی (اعم از اصلی و طاری) با تفکیک دعاوی که معد صدور رأی باشد، نسبت به آن ختم رسیدگی را اعلام و رسیدگی نسبت به دعوا یا دعاوی دیگر را ادامه دهد.

ماده ۴۳- رأی سازشی

چنانچه طرفین در جریان داور، اختلافات خود را از طریق سازش حل و مراتب را به داور اعلام کنند، داور باید رسیدگی را ختم و بر اساس توافق طرفین و با رعایت ماده (۴۶) این قانون رأی سازشی صادر کند. این رأی برابر مقررات لازم‌الاجرا است.

تبصره- هر گاه سازش محقق نشود اعلامات، تعهدات و گذشت‌هایی که طرفین هنگام مذاکره به عمل آورده‌اند، منشا اثر نیست.

ماده ۴۴- اختیار داور برای صلح دعوا و رأی کدخدامنشانه

الف- در صورتی که داور اختیار صلح داشته باشد می‌تواند دعوا را با صلح خاتمه دهد و رأی مقتضی صادر کند.

ب- داور تنها در صورتی می‌تواند کدخدامنشانه یا بر اساس انصاف رأی صادر کند که طرفین صریحاً چنین اختیاری را به او داده باشند.

ماده ۴۵- شکل و مفاد رأی

الف- رأی داور باید کتبی باشد و به امضای داور برسد و در صورتی که اقلیت از امضای آن خودداری کند، در رأی تصریح شود. اقلیت می‌تواند نظر مخالف یا نظر جداگانه خود را در ذیل رأی یا در پرونده درج کند.

ب- رأی داور باید موجه و مستدل و حاوی موارد زیر باشد:

۱- مشخصات کامل طرفین؛

۲- مشخصات داور؛

۳- نام سازمان داور در داورهای سازمانی؛

۴- خواسته خواهان داور

۵- تاریخ صدور رأی؛

۶- مقرر داور؛

۷- جریان رسیدگی مشتمل بر خلاصه‌ای از ادعاهای طرفین و اقداماتی که به منظور احراز واقعیات و بررسی دلایل صورت گرفته است؛

۸- دلایلی که رأی بر آنها مبتنی است مگر اینکه طرفین توافق کرده باشند دلایل رأی ذکر نشود یا رأی سازشی باشد؛

۹- تشخیص منجز داور نسبت به خواسته و موضوع اختلاف.

در صورتی که رأی داور مشخصات طرفین یا مشخصات داور یا تاریخ صدور نداشته باشد یا موضوع آن مشخص نباشد، مدیر دفتر دادگاه مکلف است ظرف پنج روز نقایص رأی را به صورت کتبی به متقاضی ابلاغ، اعلام نماید و متقاضی مکلف است از تاریخ ابلاغ اخطار ظرف ده روز نقایص را وضع نماید چنانچه در مهلت مقرر رفع نقص شود و مطابق مواد ۴۹ و ۶۴ و ۶۵ رأی قابل تصحیح یا رفع ابهام نباشد، رأی داور محسوب نمی‌شود و قابل ترتیب اثر نیست. در این صورت به اصل دعوا در دادگاه رسیدگی می‌شود.

ماده ۴۶ - حدود اعتبار رأی داور

رأی داور فقط درباره طرفین دعوا و قائم مقام آنان معتبر است و نسبت به اشخاص دیگر تأثیر ندارد.

ماده ۴۷ - فراغ داور

رأی داور و حسب مورد ابلاغ یا تسلیم آن به مرجع صالح برای ابلاغ موجب فراغ داور درباره اختلاف مرجوع‌الیه است. این امر مانع تصحیح رأی و رفع ابهام از آن و صدور رأی تکمیلی مطابق مواد بعدی نیست.

ماده ۴۸ - رأی تکمیلی، تصحیحی و تفسیری

الف- هر کدام از طرفین می‌تواند ضمن ارسال اخطاریه برای طرف دیگر، ظرف سی روز از تاریخ دریافت رأی، از داور تقاضا کند نسبت به ادعاهایی که اقامه شده، ولی در رأی مسکوت مانده است رأی تکمیلی

صادر کند. داور چنانچه این درخواست را موجه تشخیص دهد، مهلت کافی برای ارائه توضیح به طرف دیگر می‌دهد و ظرف سی روز از تاریخ تقاضا نسبت به صدور رأی تکمیلی اقدام می‌کند. داور می‌تواند در صورت لزوم مهلت مزبور را برای یک نوبت تمدید کند. پس از انقضای مهلت‌های مذکور، رسیدگی به ادعاهایی که در رأی داور مسکوت مانده است برابر مقررات در دادگاه به عمل می‌آید، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری تراضی نمایند.

ب- هرگاه در تنظیم و نوشتن رأی داور سهو قلم مانند از قلم افتادن یا زیاد شدن کلمه‌ای یا اشتباه در محاسبه رخ دهد، داور می‌تواند رأساً یا به تقاضای هر یک از طرفین آن را تصحیح کند. مهلت تقاضای طرفین سی روز از تاریخ ابلاغ رأی است. داور حداکثر ظرف سی روز از تاریخ وصول تقاضا و در مواردی که رأساً متوجه اشتباه یا ابهام شده باشد، ظرف سی روز از تاریخ صدور رأی، نسبت به تصحیح آن اقدام می‌کند. تصحیح رأی داور پس از انقضای مهلت‌های تعیین شده حسب مورد با دادگاه صالح یا دادگاهی است که موضوع رأی نزد آن مطرح باشد مگر اینکه طرفین به نحوی دیگری توافق کنند.

ج- داور می‌تواند بنا به تقاضای هر یک از طرفین از رای رفع ابهام کند. مهلت تقاضای طرفین سی روز از تاریخ ابلاغ رای است و باید نسخه‌ای از تقاضای مزبور برای طرف دیگر ارسال شود و مهلت کافی برای ارائه توضیح به او داده شود. داور حداکثر ظرف سی روز از تاریخ وصول تقاضا نسبت به تفسیر آن اقدام می‌کند. تفسیر رأی داور پس از انقضای مهلت‌های تعیین شده براساس مقررات با دادگاهی است که موضوع رأی نزد آن مطرح باشد مگر اینکه طرفین به نحوی دیگری توافق کنند.

د- مقررات مربوط به شکل و مفاد، ابلاغ، اجرا و شکایت از رأی داور، نسبت به آرای تصحیحی، تکمیلی و تفسیری نیز اعمال می‌شود.

ه- مهلت‌های مذکور در این ماده به مدت داوری اضافه می‌شود.

ماده ۴۹- خاتمه رسیدگی داور

۱- رسیدگی داور در موضوع اختلاف ارجاع شده به او در موارد زیر خاتمه می‌یابد:

الف- صدور رأی دآوری؛

تبصره- در صورت تقاضای صدور رأی تکمیلی، تفسیری یا تصحیحی داور موظف به رسیدگی می‌باشد.

ب- تراضی کتبی طرفین بر خاتمه رسیدگی از طریق دآوری؛

پ- استرداد دعوا توسط خواهان با رعایت ماده (۳۶) این قانون

ت- گواهی موجه داور مبنی بر عدم امکان و یا عدم لزوم ادامه رسیدگی از طریق دآوری؛

ث- انقضای مدت دآوری؛

۲- خاتمه دآوری در یک دعوا مانع رسیدگی داور در سایر دعاوی مرتبط با موضوع موافقت‌نامه دآوری از جمله دعاوی که به دلیل حدوث اسباب و جهات جدید یا به تجویز قانون تجدیدپذیرند، نیست.

ماده ۵۰ - ابلاغ رأی دآوری

الف- چنانچه طرفین طریق خاصی برای ابلاغ رأی داور پیش‌بینی نکرده باشند در دآوری های موردی داور یا یکی از داوران و در دآوری های سازمانی چنانچه طریق خاصی دیگری پیش بینی نشده باشد، سازمان دآوری مکلف است رأی را از طریق دفتر دادگاه صالح یا به پیوست اظهارنامه رسمی به طرفین ابلاغ کند. درخواست ابلاغ رأی داور از دادگاه مستلزم پرداخت هزینه دادرسی نیست.

ب- رأی داور به اصحاب دعوا یا وکیل یا نماینده آنان ابلاغ می‌شود، مگر اینکه ابلاغ به وکیل یا نماینده توسط شخص اصیل منع شده باشد. در صورتی که ابلاغ رأی داور به چند طریق یا علاوه بر شخص اصیل به وکیل یا نماینده مجاز او ابلاغ شده باشد، فقط ابلاغ با تاریخ مقدم معتبر و منشاء اثر شناخته می‌شود.

فصل نهم: شکایت از رأی داور

ماده ۵۱- قطعیت رأی دآوری و قابلیت شکایت از آن

رأی داور قطعی است مگر در مواردی که به موجب این قانون قابل تجدیدنظر باشد. قطعیت رأی مانع از آن نیست که هر یک از طرفین در موارد مصرح قانونی ابطال یا بطلان آن را از دادگاه درخواست نماید. توافق طرفین مبنی بر غیر قابل اعتراض بودن رأی داور تا قبل از صدور رأی مانع شکایت از رأی داور نیست. دادخواست ابطال یا بطلان رأی داور یا تجدیدنظرخواهی از آن در دادگاه از حیث هزینه دادرسی دعوای غیر مالی است.

ماده ۵۲ - تجدیدنظرخواهی از رأی داور

۱- طرفین می‌توانند قبل یا بعد از صدور رأی در مورد حق تجدیدنظرخواهی و تعیین مرجع تجدیدنظر که حسب مورد ممکن است دادگاه صالح یا هیات داور دیگر باشد صریحاً توافق کنند. در این صورت، محکوم‌علیه می‌تواند ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ رأی یا ظرف مدتی که توافق کرده‌اند نسبت به رأی داور نزد مرجع تعیین شده تجدیدنظرخواهی کند.

۲- چنانچه مرجع تجدیدنظر هیات داور باشد، هیات مذکور از حیث انتخاب، فرایند، مدت رسیدگی و کیفیت ابلاغ رأی، تابع همان ضوابط و مقررات داور بدوی است مگر اینکه به نحو دیگری توافق شده باشد. رأی بدوی با انقضای مدت مقرر و رأی هیات تجدیدنظر قطعی است و جز در موارد بطلان قابل شکایت در دادگاه نخواهد بود. رسیدگی به شکایت از رأی داور در موارد بطلان، حسب مورد تا انقضای مدت تجدیدنظرخواهی یا صدور رأی هیات تجدیدنظر متوقف می‌ماند.

در صورتی که قاضی اجرای احکام، رأی قطعی داور را خلاف شرع بین یا قانون تشخیص دهد، مکلف است مراتب را به ذکر مستندات به رئیس کل دادگستری استان متبوع گزارش کند، رئیس کل دادگستری استان در صورت موافقت، مطابق ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری تجویز اعاده دادرسی را از رئیس قوه قضائیه درخواست می‌کند.

۳- چنانچه مرجع تجدیدنظر دادگاه صالح باشد، تجدیدنظرخواهی از رأی با تقدیم دادخواست و مطابق مقررات آئین دادرسی مدنی و با پرداخت هزینه دادرسی مرحله نخستین بر مبنای دعوای غیر مالی به عمل می‌آید. ترتیب رسیدگی در دادگاه صالح همانند دادرسی نخستین است. دادگاه با لحاظ این که داور بر اساس قانون یا توافق طرفین از قبیل اعمال اصل کدخدامنشی یا اصل انصاف تصمیم‌گیری کرده است رأی و دلایل طرفین را مورد ارزیابی قرار داده و حسب مورد نسبت به تایید یا نقض یا تغییر آن و صدور رأی مقتضی در ماهیت دعوا اقدام می‌کند. در صورتی که رأی داور حاوی اشتباهاتی از قبیل اعداد و ارقام و سهو قلم باشد، دادگاه رأساً می‌تواند آن را اصلاح و رأی را تایید کند. رأی دادگاه که در مقام رسیدگی به تجدیدنظرخواهی از رأی داور صادر می‌شود، قطعی است و دادخواست بطلان و ابطال رأی داور پذیرفته نمی‌شود.

۴- توافق بر تجدیدنظرخواهی پس از تقدیم دادخواست ابطال رأی داور به منزله استرداد دادخواست است.

ماده ۵۳- بطلان رأی

رأی داور که در ایران صادر شده است در موارد زیر باطل و غیرقابل استناد است:

- ۱- مفاد رأی با قوانین آمره و نظم عمومی مغایر باشد؛
- ۲- رأی داور در موضوعی صادر شده باشد که به موجب قانون قابل ارجاع به داور نیست
- ۳- رأی داور مغایر مفاد دفتر املاک باشد.
- ۴- رأی توسط شخص یا اشخاص مشمول ممنوعیت ماده ۱۷ صادر شده باشد؛

در موارد مذکور ذینفع می‌تواند از دادگاه صالح، حکم به اعلام بطلان رأی داور را بخواهد؛

ماده ۵۴- ابطال رأی

الف- رأی داور که در ایران صادره شده باشد، در موارد زیر به درخواست یکی از طرفین و با تقدیم دادخواست به دادگاه صالح قابل ابطال است:

- ۱- موافقت‌نامه داوری به موجب قانون حاکم بر آن معتبر نباشد؛
- ۲- یکی از طرفین در زمان مراجعه به داوری یا در مقام دفاع اهلیت اقامه دعوا نداشته باشد؛
- ۳- انتصاب داور یا ترکیب هیأت داوری یا آئین داوری مطابق موافقت‌نامه داوری انجام نشده باشد؛
- ۴- داور بدون رعایت قواعد و اصول بنیادین دادرسی رأی صادر کرده باشد.
- ۵- رأی داور مشتمل بر نظر موافق و مؤثر داوری باشد که جرح او توسط مرجع صالح پذیرفته شده است؛
- ۶- داور خارج از حدود اختیارات خود ناشی از موافقت‌نامه داوری رأی داده باشد.
- ۷- رأی داور در موضوعی صادر شده باشد که مورد درخواست نبوده است.
- ۸- رأی داور در مدت قانونی یا قراردادی صادر نشده و حسب مورد ابلاغ یا به مرجع صالح برای ابلاغ تسلیم نشده باشد؛
- ۹- رأی داور بر خلاف قانون حاکم بر ماهیت دعوا یا مفاد سند رسمی تنظیم شده بین طرفین باشد.
- ۱۰- رأی داور بر خلاف مفاد حکم قطعی کیفری مؤثر در ماهیت امر حقوقی باشد؛
- ۱۱- رأی داور مستند به سندی باشد که جعلی بودن آن به موجب حکم قطعی ثابت شده است.
- ۱۲- پس از صدور رأی داور مدرک یا سندی یافت شود که دلیل حقانیت متقاضی بوده و ثابت شود که آن مدرک یا سند به دلایل موجهی در اختیار وی نبوده یا آن را طرف مقابل مکتوم داشته و یا باعث کتمان آنها شده است؛
- ۱۳- طرف مقابل متقاضی حيله یا تقلبی به کار برده که در رأی مؤثر بوده است.
- ۱۴- رأی داور با رأی دیگری که درخصوص همان دعوا و اصحاب آن توسط مرجع ذیصلاح صادر شده است مغایر باشد بدون آنکه سبب دیگری منجر به آن مغایرت قانونی شده باشد.

ب- در هر یک از موارد فوق که قسمتی از رأی داور به یکی از جهات فوق باطل باشد، در صورتی که موضوعات رأی قابل تفکیک باشد فقط همان قسمت از رأی ابطال می‌گردد.

ج- هرگاه طرفین، رأی داور را به اتفاق به طور کلی و یا قسمتی از آن را رد کنند، آن رأی در قسمت مردود بلااثر خواهد بود.

ماده ۵۵- مهلت درخواست ابطال

هر یک از طرفین می‌تواند ظرف بیست روز پس از ابلاغ رأی داور اعم از رأی تصحیحی یا تکمیلی و در مورد بندهای ۸ و ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴ ماده ۵۵ حسب مورد از تاریخ حکم قطعی یا از تاریخ وصول اسناد و مدارک یا اطلاع از وجود آن از دادگاه صالح، حکم به ابطال رأی داور را بخواهد. این مهلت برای اشخاصی که طبق مقررات آئین دادرسی مدنی دارای عذر موجه باشند پس از رفع عذر شروع می‌شود. در صورتی که دادخواست ابطال رأی داور خارج از موعد مقرر باشد دادگاه قرار رد دادخواست را صادر می‌کند. این قرار وفق مقررات قابل تجدید نظر خواهی است.

ماده ۵۶- قرار توقف اجرا

درخواست اعاده، ابطال یا بطلان رأی داور مانع اجرای آن نیست. مگر اینکه حسب مورد داور یا دادگاه به تقاضای خواهان ضمن دادخواست یا در هر مرحله از رسیدگی توقف اجراء را ضروری تشخیص دهد و در صورت اقتضاء با اخذ تأمین مناسب، قرار توقف اجرای رأی داور را تا صدور حکم قطعی صادر کند.

ماده ۵۷- اعتراض شخص ثالث

۱- اگر در خصوص دعوایی رأی داور صادره شود که به حقوق شخص ثالث خللی وارد آورد و آن شخص یا نماینده او در داور که منتهی به رأی شده است به عنوان اصحاب دعوا دخالت نداشته باشد، می‌تواند به عنوان شخص ثالث در دادگاه صالح با ذکر خواسته اعتراض نماید مگر اینکه طرفین داور و شخص ثالث نسبت به ارجاع اعتراض به داور توافق کرده باشند که در این صورت به اعتراض ثالث در مرجع داور مطابق این قانون رسیدگی خواهد شد.

۲- چنانچه دادگاه یا داور پس از رسیدگی، حسب مورد اعتراض ثالث را وارد تشخیص دهد، آن قسمت از حکم را که مورد اعتراض قرار گرفته نقض می‌نماید و اگر مفاد حکم غیرقابل تفکیک باشد، تمام آن الغاء خواهد شد.

۳- رسیدگی به اعتراض ثالث در دادگاه تابع مقررات آئین دادرسی مدنی است. در صورتیکه اعتراض ثالث طاری باشد، دادگاهی که دعوا در آن مطرح است، دادگاه صالح محسوب می‌شود.

۴- اعتراض ثالث به رأی داور مانع اجرای آن نیست. مگر اینکه جبران ضرر و زیان ناشی از اجرای رأی ممکن نباشد که در این صورت دادگاه به درخواست خواهان پس از اخذ تأمین مناسب، قرار توقف اجرای رأی داور را تا صدور رأی قطعی صادر کند.

ماده ۵۸ - اعاده داوری

۱- در خصوص جهات مندرج در بندهای ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ ماده ۵۵، ذینفع می‌تواند تا انقضای مهلت شکایت از رأی داور به جای تقدیم دادخواست ابطال رأی داور به دادگاه، از داور تقاضای اعاده رسیدگی کند. در صورتی که دادخواست ابطال رأی داور به دادگاه تقدیم شده باشد، به درخواست اعاده داوری به همان جهات یا جهات دیگر نزد داور رسیدگی نخواهد شد.

۲- در اعاده داوری به جز آنچه در درخواست اعاده داوری ذکر شده است، جهت دیگری مورد رسیدگی قرار نمی‌گیرد. هرگاه پس از رسیدگی، داور درخواست اعاده داوری را وارد تشخیص دهد، رأی قبلی را نقض و رأی مقتضی صادر می‌کند. در صورتی که درخواست اعاده داوری راجع به قسمتی از رأی باشد، فقط همان قسمت نقض یا اصلاح می‌گردد.

۳- داور از تاریخ درخواست اعاده داوری حداکثر ظرف دو ماه، رأی خود را صادر و حسب مورد به طرفین ابلاغ یا به مرجعی که امر ابلاغ را به عهده دارد، تسلیم نماید. این رأی از حیث درخواست ابطال یا بطلان، تابع مقررات مربوط خواهد بود.

ماده ۵۹ - رسیدگی به دعوای اصلی در دادگاه

در مواردی که ارجاع امر به داوری از طریق دادگاه نبوده و رأی داور به موجب حکم قطعی باطل گردد، رسیدگی به دعوا در دادگاه با تقدیم دادخواست و خارج از نوبت به عمل می‌آید.

فصل دهم: اجرای رأی

ماده ۶۰- قابلیت اجرای رأی

رأی داور مانند احکام دادگاهها نسبت به طرفین و قائم مقام قانونی آنها قابل اجرا است. محکوم‌له می‌تواند پس از ابلاغ رأی به محکوم‌علیه با تقدیم درخواست و پرداخت هزینه‌ای معادل هزینه دادرسی معادل دعاوی غیر مالی، صدور برگ اجرائی و اجرای آن را از دادگاه صالح تقاضا کند.

ماده ۶۱- ترتیب اجرای رأی

۱- ترتیب صدور اجرائیه و نحوه اجرای رأی داور و حقوق و تکالیف محکوم‌له و محکوم‌علیه داوری عیناً بر اساس ترتیبات قانونی ناظر بر اجرای احکام مدنی است. در مواردی که رأی داور جنبه اعلامی داشته باشد، به دستور دادگاه صالح گواهی قطعی و لازم‌الاجرا بودن رأی داور توسط دفتر دادگاه صادر و به طرفین تسلیم می‌شود.

۲- شناسائی و اجرای آرای داوری خارجی (صادره در خارج از قلمرو جمهوری اسلامی ایران) براساس عمل متقابل یا با رعایت شرایط مقرر در معاهدات بین‌المللی لازم‌الاجرا، انجام می‌شود. در مواردی که عمل متقابل کشور محل صدور رأی برای دادگاه محرز نشود، دادگاه می‌تواند شروع کننده عمل متقابل باشد.

ماده ۶۲- رد درخواست اجرای رأی

۱- چنانچه دادگاهی که از آن درخواست اجرای رأی داور شده است یکی از موارد بطلان رأی را احراز کند و قبلاً رأی قطعی در مورد آن، صادر نشده باشد، ضمن خودداری از اجرا، باید با ذکر جهات قانونی قرار رد درخواست مزبور را صادر و به طرفین ابلاغ کند.

۲- در صورت ابهام در رأی داور به گونه‌ای که رفع آن مطابق ماده (۴۹) این قانون یا توسط دادگاه امکان‌پذیر نباشد و موجب ممتنع شدن اجرای آن گردد، دادگاه در قسمتی که اجرای رأی ممتنع شده است، قرار رد درخواست اجرا را صادر می‌کند.

۳- قرار رد درخواست اجرا مطابق مقررات قابل تجدیدنظرخواهی است و پس از قطعیت، در حکم اعلام بطلان رأی داور است و رسیدگی به دعوا در دادگاه با تقدیم دادخواست به عمل می‌آید.

ماده ۶۳ - رفع اشکال

هرگاه در جریان اجرای رأی داور اشکالی پیش آید دادگاهی که رأی زیر نظر آن اجرا می‌شود رفع اشکال می‌کند. در صورتی که اشکال ناشی از سهو قلم یا ابهام رأی یا محکوم‌به باشد، دادگاه به داور ابلاغ می‌کند ظرف بیست روز نسبت به صدور رأی تصحیحی یا تفسیری اقدام کند. در این صورت اجرای رأی در قسمتی که با اشکال مواجه شده است تا صدور رأی تصحیحی یا تفسیری متوقف می‌ماند. در صورتی که به هر دلیل داور از صدور رأی امتناع کند یا صدور رأی توسط داور امکان‌پذیر نباشد، دادگاه پس از اخذ توضیح از طرفین رأساً حسب مورد رأی را تصحیح یا از آن رفع ابهام می‌کند. تصمیم دادگاه در این مورد قطعی است.

ماده ۶۴ - رفع اختلاف در مفاد رأی داور یا اجرای آن

در صورت حدوث اختلاف در مفاد رأی داور یا اختلافات مربوط به اجرای آن، هر یک از طرفین می‌تواند با تقدیم درخواست و پرداخت هزینه‌ای معادل هزینه دادرسی دعوای غیر مالی، از دادگاهی که اجرائیه صادر کرده است، رفع اختلاف را بخواهد. دادگاه در وقت فوق‌العاده رسیدگی و رفع اختلاف می‌کند و در صورت اقتضا، رونوشت درخواست را به طرف مقابل ابلاغ و طرفین را به جلسه‌ای که خارج از نوبت تشکیل می‌شود، دعوت می‌کند. عدم حضور طرفین مانع رسیدگی نیست. در صورتی که اختلاف در مفاد رأی باشد

دادگاه حسب مورد پس از اخذ توضیح از طرفین یا داور یا سازمان داوری ذیربط، رفع اختلاف می‌کند عدم ارائه توضیح طرفین یا داور مانع صدور رأی نیست. تصمیم دادگاه قطعی است. درخواست رفع اختلاف در مفاد رأی داور یا اجرای آن موجب توقف اجراء نخواهد شد مگر این که دادگاه با توجه به اهمیت موضوع به تقاضای ذینفع، قرار توقف اجرای رأی را صادر نماید.

ماده ۶۶- اعاده وضع

هرگاه رأی داور پس از اجرا بر اثر ابطال یا بطلان یا اعاده داوری بلااثر شود، اعاده وضع مطابق قانون اجرای احکام مدنی به عمل می‌آید.

فصل یازدهم: هزینه‌ها و خسارات داوری

ماده ۶۷- حق الزحمه داور

۱- توافق طرفین و داور یا سازمان داوری در خصوص میزان حق الزحمه داور معتبر است. در صورت عدم توافق میزان حق الزحمه داور براساس آیین‌نامه‌ای تعیین می‌شود که ظرف مدت سه ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری با همکاری مرکز توسعه حل اختلاف قوه قضائیه تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد و در صورت ضرورت هر سه سال یکبار طبق فرایند فوق قابل تعدیل می‌شود. داور یا سازمان داوری می‌تواند مهلت مناسبی برای پرداخت حق الزحمه داور تعیین کند.

۲- ارزش خواسته که مبنای تعیین حق الزحمه داور قرار گرفته است، براساس ارزش خواسته در روز تقدیم درخواست داوری تعیین می‌شود. در صورت اختلاف در مورد ارزش خواسته، حسب مورد توسط دادگاه صالح یا مقام ناصب ارزش خواسته تعیین می‌گردد مگر اینکه طرفین و داور به نحو دیگری بر محاسبه توافق کرده باشند. درخواست تعیین ارزش خواسته در دادگاه، بدون پرداخت هزینه دادرسی و خارج از نوبت رسیدگی می‌شود و تصمیم دادگاه در این مورد قطعی است.

۳- میزان حق الزحمه داور، در صورتی که موافقت‌نامه داوری با توافق طرفین در اثنای رسیدگی زائل شود یا به دلایلی از قبیل فوت داور یا استرداد دعوا ادامه رسیدگی داور ممتنع یا قبل از صدور رأی خاتمه یابد،

حسب مورد بر اساس میزان کار انجام شده تعیین می‌شود. مگر اینکه طرفین و داور به نحو دیگری بر محاسبه توافق کرده باشند. در صورتیکه رأی داور به جهت غیر قابل ارجاع بودن اختلاف به داور یا جرح داور ابطال گردد، داور مستحق دریافت حق‌الزحمه نخواهد بود و اگر حق‌الزحمه را دریافت کرده باشد پرداخت کننده می‌تواند استرداد آن را از داور بخواهد.

۴- در صورت تعدد داوران، حق‌الزحمه داورى ابتدا ده درصد سهم اختصاصی سرداور و الباقی به نسبت مساوی بین همه داوران تقسیم می‌شود مگر اینکه داوران به نحو دیگری توافق کرده باشند.

ماده ۶۸- هزینه‌های اداری

هزینه اداری در داورى سازمانی به موجب مقررات همان سازمان تعیین می‌شود. در داورى‌های موردی هزینه اداری تعلق نمی‌گیرد، لیکن داور می‌تواند هزینه‌های مستقیم مربوط به رسیدگی از قبیل ایاب و ذهاب، تامین محل مناسب برای جلسات رسیدگی یا تهیه رونوشت از اسناد و ارتباطات از راه دور را مطالبه کند.

ماده ۶۹- توقف درخواست رسیدگی

چنانچه خواهان از پرداخت حق‌الزحمه داور و هزینه‌ی اداری پس از ابلاغ در مهلت اعلام شده توسط داور یا سازمان داورى امتناع ورزد، داور یا سازمان داورى حسب مورد می‌تواند رسیدگی را تا پرداخت کامل حق‌الزحمه متوقف کند. مدت توقف جزء مدت داورى محاسبه نمی‌شود. (

ماده ۷۰- خسارات داورى

پرداخت خسارات داورى بر عهده محکوم علیه است. هریک از طرفین داورى حق دارد ضمن درخواست داورى یا در اثنای آن جبران خسارات ناشی از داورى شامل حق‌الزحمه داور، هزینه اداری، هزینه کارشناسی، حق‌الوکاله وکیل بر اساس تعرفه‌های قانونی و سایر هزینه‌ها که برای دفاع یا اثبات دعوا ضرورت داشته است را از طرف مقابل مطالبه کند. داور در موارد یادشده میزان خسارت را پس از رسیدگی متناسب با

محکوم به معین کرده و ضمن رأی راجع به اصل دعوا یا به موجب رأی جداگانه در مدت داورى محکوم علیه را به تأدیه خسارت ملزم می کند. در صورتی که قرارداد خاصی راجع به خسارت بین طرفین منعقد شده باشد برابر قرارداد رفتار خواهد شد.

فصل دوازدهم: مسئولیت داور و سازمان داورى

ماده ۷۱- تکلیف به انجام داورى و ارائه خدمات

الف- داور پس از قبول داورى، ملزم به انجام آن است و بدون عذر موجه حق کناره گیری ندارد. سازمان داورى نیز مکلف است نسبت به انجام تکالیفی که به عهده آن است اقدام کند و نمی تواند بدون عذر موجه از ارائه خدمات داورى خودداری کند.

ب- اگر سازمان داورى از انجام تکالیف خود امتناع کند یا داور بدون عذر موجه از انجام تکالیف و تعهدات مربوط به داورى از جمله صدور و یا ابلاغ رأی امتناع کند یا در اثر تبانی، تدلیس، تقلب یا تقصیر در انجام وظیفه خسارت مادی یا معنوی متوجه یک طرف یا طرفین گردد، بر اساس میزان و نحوه مداخله در حدوث خسارت، حسب مورد داور یا مدیران سازمان داورى علاوه بر جبران خسارت وارده به ذینفع به محرومیت از داورى و مدیریت در سازمان داورى تا پنج سال محکوم می شوند.

فصل سیزدهم: سازمان داورى

ماده ۷۲- تشکیل سازمان داورى

سازمان داورى به یکی از روش های زیر تشکیل می شود:

الف- به موجب قانون؛

ب- توسط اشخاص زیر با رعایت ماده (۷۳) این قانون:

۱- هر موسسه یا سازمانی که به موجب قانون اختیار یا وظیفه حل و فصل اختلافات را داشته باشد،

۲- اتحادیه‌های صنفی موضوع قانون نظام صنفی؛

۳- مؤسسات خصوصی حرفه‌ای عهده‌دار مأموریت عمومی؛

تبصره- کانونهای داوری استان و شهرستان که مطابق ماده (۷۷) این قانون تشکیل می‌شوند، سازمان داوری موضوع این ماده محسوب می‌شوند؛

ماده ۷۳- فعالیت سازمان داوری

۱- فعالیت سازمان داوری منوط به داشتن آیین داوری مصوب رکن ذیصلاح همان سازمان و جز در مورد سازمان داوری که به موجب قانون تشکیل می‌شود، موکول به ثبت آن در مرجع ثبت شرکتها است. شرایط داوران، ارکان، و نحوه فعالیت سازمان حسب مورد تابع قانون تاسیس یا تابع اساسنامه‌ای است که پس از تصویب رکن ذیصلاح به تایید مرکز توسعه حل اختلاف قوه قضائیه می‌رسد. داوری اشخاص حقوقی که بدون رعایت ترتیبات مقرر در این فصل فعالیت نمایند، داوری موردی است.

تبصره- نظارت و ارزیابی عملکرد در داوری سازمانی با مرکز توسعه حل اختلاف قوه قضائیه است.

۲- سازمان داوری خدمات خود را بر اساس مفاد این قانون و مقررات سازمان از طریق هماهنگی، سازماندهی، نظارت و مدیریت جریان داوری انجام می‌دهد، بدون آنکه خود مباشرت به داوری کند.

ماده ۷۴: داوری الحاقی

اتحادیه‌ها و مؤسسات خصوصی حرفه‌ای مانند اتحادیه‌های صنفی، مجامع امور صنفی، اتحادیه‌های تعاونی، سازمان نظام پزشکی، سازمان نظام مهندسی، کانونهای کارشناسان رسمی دادگستری، کانونهای وکلای دادگستری و کانونهای سردفتران اسناد رسمی، می‌توانند با رعایت اساسنامه یا سند تاسیس خود به منظور حل و فصل اختلافات شغلی یا حرفه‌ای بین اعضا یا شکایات یا دعاوی سایر اشخاص علیه اعضا در ارتباط با فعالیت‌های صنفی و حرفه‌ای اعضا یا سایر اختلافاتی که طرفین توافق کرده باشند، با رعایت مقررات این قانون، مرکز داوری تخصصی یا صنفی تأسیس کنند. نحوه فعالیت مرکز داوری تخصصی یا صنفی تابع مقررات این قانون و اساسنامه‌ای است که پس از تصویب رکن ذیصلاح همان اتحادیه یا موسسه به تایید

مرکز توسعه حل اختلاف قوه قضاییه می رسد. هر گونه اصلاح در اساسنامه پس از تصویب رکن ذیصلاح همان اتحادیه یا موسسه با تأیید مرکز توسعه حل اختلاف قوه قضاییه، امکان پذیر است. صرف عضویت اشخاص حقیقی یا حقوقی در اتحادیه یا موسسه یا اخذ پروانه از صنف مربوطه به منزله پذیرش اساسنامه مرکز داوری اتحادیه یا موسسه متبوع و صلاحیت مرکز برای حل و فصل اختلافات بین اعضا و صلاحیت مرکز برای رسیدگی به شکایات یا دعاوی سایر اشخاص مربوط به حقوق یا تعهدات ناشی از فعالیتهای صنفی یا حرفه‌ای علیه عضو و قبول آئین داوری همان مرکز داوری است مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند. تقدیم شکایت یا درخواست داوری از سوی غیرعضو به منزله پذیرش صلاحیت داوری آن مرکز است. رسیدگی به شکایت یا درخواست داوری عضو، علیه غیرعضو منوط به موافقت صریح غیرعضو است.

ماده ۷۵- تشکیل اتحادیه کشوری سازمانهای داوری

اتحادیه سازمانهای داوری کشوری که در این قانون به اختصار اتحادیه داوری نامیده می‌شود، یک اتحادیه واحد است، از اجتماع حداقل بیست سازمان داوری موضوع بندهای الف و ب ماده (۷۲) این قانون که مقر آنها در حداقل شانزده استان مختلف واقع شده باشد، با رعایت ماده (۷۶) این قانون، با وظایف و اختیارات زیر تشکیل می‌شود:

۱- ترویج فرهنگ سازش و حل و فصل اختلافات از طریق داوری

۲- تلاش در جهت ارتقای دانش علمی و عملی در امور حقوقی و داوری از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی و بازآموزی حرفه‌ای، همایشهای تخصصی و انتشار نشریات علمی

۳- تلاش در جهت به روز رسانی و یکنواخت سازی قواعد و آیین‌های داوری متناسب با نیازها و تجربیات علمی و رویه‌های قضایی و داوری داخلی و بین‌المللی

۴- تلاش در جهت کاهش هزینه‌های داوری و یکنواخت سازی حق‌الزحمه داوران

۵- اظهارنظر مشورتی در تهیه و تدوین لوایح، طرحها، تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌های مرتبط با امور تخصصی داوری

۶- ارائه نظر مشورتی به داوران و سازمان‌های داوری

۷- تلاش در جهت ارتقاء سلامت نظام داورى و حفظ جایگاه و شأن داوران و سازمانهای داورى و حمایت از حقوق صنفى و حرفه‌ای

۸- نظارت بر عملکرد سازمان‌های داورى و رسیدگی به شکایات

۹- رسیدگی انتظامى به تخلفات صنفى و حرفه‌ای داوران و سازمانهای داورى از طریق تشکیل دادسرا و دادگاه انتظامى بدوى و تجدیدنظر و مطابق آئین‌نامه‌ای که شش ماه پس از تشکیل اتحادیه داورى به وسیله مرکز توسعه حل اختلاف قوه قضائیه تهیه می‌شود و به تصویب رییس قوه قضائیه می‌رسد.

۱۰- کمک به رفع مشکلات رفاهى و مالی داوران و کارکنان ادارى سازمانهای داورى

۱۱- انجام اقدامات مقتضى به منظور تعميم و گسترش خدمات بیمه درمانى برای داوران و کارکنان ادارى سازمانهای داورى و افراد تحت تکفل و ایجاد بسترى مناسب جهت برخورداری از مزایای بیمه مسئولیت مدنى داوران و سازمانهای داورى

۱۲- حل و فصل اختلافات از طریق تشکیل یک کانون داورى در مرکز هر استان و یا مرکز هر شهرستان

۱۳- برقرارى ارتباط و همکارى با نهادهای داورى سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللى داورى غیر دولتى

تبصره- عضویت در اتحادیه داورى اختیاری است لکن اتحادیه ملزم به قبول عضویت سازمانهای متقاضى مشمول ماده (۷۲) این قانون می‌باشد.

ماده ۷۶ - مجمع عمومى مؤسس و ارکان اتحادیه داورى

مجمع عمومى مؤسس اتحادیه داورى متشکل از نمایندگان سازمانهای داورى به دعوت و با نظارت مرکز توسعه حل اختلاف قوه قضائیه تشکیل می‌شود. اتحادیه داورى از تاریخ ثبت دارای شخصیت حقوقى است. ارکان و نحوه فعالیت اتحادیه و شرایط رئیس و اعضای هیأت مدیره تابع مقررات اساسنامه‌ای است که به تأیید مرکز توسعه حل اختلاف قوه قضائیه می‌رسد. هر گونه اصلاح در اساسنامه پس از تصویب مجموع عمومى و تأیید مرکز مزبور امکان پذیر است. رسیدگی به تخلفات رئیس و اعضای هیأت مدیره اتحادیه در صلاحیت دادگاه انتظامى قضات است.

ماده ۷۷- تشکیل کانون داورى استان و شهرستان

در مرکز هر استان و در مرکز هر شهرستان یک کانون داورى، به وسیله اتحادیه داورى پس از ثبت در مرجع ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری تشکیل می‌شود. مجمع عمومى هر یک از کانونها به عنوان عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری از اعضای اتحادیه داورى که مقرر آنها حسب مورد در همان استان یا شهرستان باشد و حداقل از پنج عضو کمتر نباشد، تشکیل می‌شود و در اساسنامه درج می‌شود. کانون‌های داورى استان و شهرستان تابع قوانین و مقررات مؤسسات غیر انتفاعى است و شرایط

داوران، ارکان و نحوه فعالیت آنها با رعایت این قانون مطابق اساسنامه‌ای است پس از تصویب مجمع عمومی اتحادیه داوری به تأیید مرکز توسعه حل اختلاف قوه قضائیه می‌رسد. هر گونه اصلاح در اساسنامه پس از تصویب مجمع عمومی اتحادیه داوری و تأیید مرکز توسعه حل اختلاف قوه قضائیه امکانپذیر است.

تبصره- در صورتی که پس از یکسال از لازم الاجراء شدن این قانون قانون داوری استان یا شهرستانی به دلیل عدم کفایت حداقل اعضا تشکیل نشود، اتحادیه مجاز است از اعضای که مقرر آنها در نزدیکترین استان یا شهرستان به آن استان یا شهرستان قرار دارد، جهت تشکیل قانون استفاده کند.

ماده ۷۸- صلاحیت قانون‌های داوری استان و شهرستان

۱- قانون داوری استان و شهرستان از تاریخ ثبت دارای شخصیت حقوقی مستقل هستند و در مواردی که حل اختلاف به موجب این قانون یا با توافق طرفین، حسب مورد به قانون داوری استان یا شهرستان ارجاع شده باشد، وظایف و اختیارات سازمان داوری و مدیریت فرایند داوری را مطابق آئین داوری که به تأیید اتحادیه داوری می‌رسد، بر عهده دارند.

۲- در صورتی که طرفین در انتخاب داور از فهرست داوران هر قانون توافق نکرده باشند، داور حسب مورد از بین فهرست داوران قانون داوری استان یا شهرستان مربوطه توسط دبیرکل همان قانون انتخاب می‌شود. تشریفات جرح داور و رسیدگی به آن تابع آئین داوری است.

۳- در مواردی که در توافقنامه داوری حل اختلاف به قانون داوری بدون تصریح استان یا شهرستان ارجاع شده باشد قانون داوری شهرستان و در مواردی که حل اختلاف به قانون داوری استان یا شهرستان بدون تصریح نام استان یا شهرستان ارجاع شده باشد، در صورتیکه اقامتگاه طرفین در حوزه یک شهرستان باشد، قانون داوری همان شهرستان و در صورتیکه اقامتگاه طرفین در شهرستانهای مختلف در حوزه یک استان باشد حسب مورد قانون داوری استان یا قانون داوری شهرستان مرکز استان و در صورتیکه اقامتگاه طرفین در استانهای مختلف کشور باشد و همچنین در مواردی که قانون استان یا شهرستان مورد نظر طرفین تشکیل نشده باشد، حسب مورد قانون داوری استان یا شهرستان تهران به عنوان مرجع حل اختلاف طرفین شناخته می‌شود. چنانچه محلی غیر از اقامتگاه قانونی به عنوان نشانی یا اقامتگاه طرفین در قرارداد ذکر شده باشد، نشانی یا اقامتگاه قراردادی ملاک تعیین قانون داوری مورد نظر طرفین تلقی خواهد شد.

۴- در داوریه‌های داخلی، در صورتی که خواهان، حل اختلاف در دعاوی قابل ارجاع به داوری را از قانون داوری استان یا شهرستان درخواست کند و خوانده با تقدیم لایحه دفاعیه یا با حضور در جلسه داوری و امضای صورتجلسه به صلاحیت داوری ایراد نکند، حسب مورد به منزله تراضی ضمنی ارجاع اختلاف به قانون داوری مربوطه می‌باشد. چنانچه طرفین

اختلافات خود را از طریق سازش حل کنند، سازشنامه‌ای که به امضای طرفین و داور رسیده باشد به عنوان رای سازشی برابر ماده (۴۴) این قانون معتبر و لازم‌الاجرا است.

ماده ۷۹- تجدیدنظرخواهی از رأی داوری کانون‌های داوری استان و شهرستان

رأی بدوی صادره از کانون داوری استان و شهرستان، مطابق ماده (۵۳) این قانون در هیات تجدیدنظر کانون داوری استان مربوطه قابل تجدیدنظر است، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند. درخواست تجدیدنظر در مهلت مقرر به دبیرخانه کانون داوری صادرکننده رأی بدوی تسلیم می‌شود. چنانچه کانون صادرکننده رأی بدوی کانون داوری شهرستان باشد، دبیر کل مربوط موظف است پرونده را ظرف پنج روز جهت رسیدگی به تجدیدنظرخواهی به کانون داوری استان ارسال نماید. در صورتی که طرفین در انتخاب هیات داوری تجدیدنظر توافق نکرده باشند، با رعایت بند (۲) ماده (۵۳) این قانون، هیات مزبور توسط دبیرکل کانون داوری استان از بین فهرست داوران همان کانون انتخاب می‌شود. تشریفات جرح هر یک از داوران هیات داوری تجدیدنظر و رسیدگی به آن تابع آئین داوری است. تراضی صریح یا ضمنی بر ارجاع اختلاف به هر یک از کانون‌های داوری، به منزله التزام و قبول مقررات مذکور است.

ماده ۸۰ - منابع مالی کانون‌های داوری

منابع مالی کانون‌های داوری از محل دریافت هزینه‌های اداری حداکثر ۵ درصد از حق‌الزحمه داور و فعالیت‌های آموزشی از طریق برگزاری دوره‌های تخصصی و بازآموزی حرفه‌ای، همایش‌های تخصصی و انتشار نشریات علمی تامین می‌گردد

فصل شانزدهم - سایر مقررات

ماده ۸۰ - نسخ قوانین مغایر

از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، باب هفتم (مواد ۴۵۴ تا ۵۰۱) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹، مواد ۱۰، ۲۸ و ۲۹ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶، ماده ۲۰ قانون پیش فروش ساختمان مصوب ۱۳۸۹ نسخ می‌شود.

هیأت رئیسه محترم مجلس شورای اسلامی

احتراماً، در اجرای قانون آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی و ماده (۴) قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب

۱۳۸۹/۳/۲۵ نظر معاونت قوانین در مورد طرح طرح جامع دآوری تقدیم می شود.

معاون قوانین

نظر اداره کل تدوین قوانین

معاون محترم قوانین

احتراماً در اجرای بندهای (۲) و (۴) ماده (۴) تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۱۳۸۹/۳/۲۵ نظر این اداره کل به شرح زیر تقدیم می شود:

۱- سابقه تقدیم

بر اساس ماده ۱۳۰ آئین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی		
طرح/لایحه جاری قبلاً تقدیم	☒ نگرديده است	☐ گردیده است

۲- در اجرای بند (۲) ماده (۴) قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور:

طرح/لایحه تقدیمی ، از حیث ضوابط تدوین ایراد اساسی ندارد		
۱	دارای موضوع و عنوان مشخص :	☒ است ☐ نیست
۲	عنوان با مفاد طرح/لایحه، منطبق :	☒ است ☐ نیست
۳	دلایل مندرج در مقدمه توجیهی کافی و به دور از اجمال :	☒ است ☐ نیست
۴	توضیحات راجع به ضرورت رسیدگی به قید فوریت در مقدمه ارائه :	☒ شده است ☐ نشده است
۵	طرح دارای موضوع واحد :	☐ است ☒ نیست
	• و ارائه آن در قالب :	☐ ماده واحده ☒ مواد متعدد
	• با ایراد مواجهه :	☒ نیست ☐ است
۶	بند ۹ سیاست های کلی نظام قانونگذاری مبنی بر رعایت اصول قانون نویسی و قانونگذاری، لحاظ :	☒ شده است ☐ نشده است

شرح نظر کارشناسی اداره کل تدوین قوانین در خصوص ضوابط تدوین

..

۳- در اجرای بند (۴) ماده (۴) قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۱۳۸۹/۳/۲۵:

طرح/لایحه تقدیمی ، از حیث ضوابط ماهوی ایراد اساسی ندارد		
۱	طرح/لایحه با سند چشم انداز و سیاست های کلی نظام :	☒ مطابقت دارد ☐ تعارض ندارد
۲	طرح/لایحه با اصل ۳ قانون اساسی مغایرت :	☒ ندارد ☐ دارد
۳	طرح/لایحه با اصل ۱۵ قانون اساسی مغایرت :	☒ ندارد ☐ دارد

۴	طرح/لایحه با اصل ۵۲ قانون اساسی مغایرت :	☒ ندارد	☐ دارد
۵	طرح/لایحه با اصل ۵۳ قانون اساسی مغایرت :	☒ ندارد	☐ دارد
۶	طرح/لایحه با اصل ۶۰ قانون اساسی مغایرت :	☒ ندارد	☐ دارد
۷	طرح/لایحه با اصل ۷۳ قانون اساسی مغایرت :	☒ ندارد	☐ دارد
۸	طرح/لایحه با اصل ۱۳۸ قانون اساسی مغایرت :	☒ ندارد	☐ دارد
۹	طرح/لایحه با اصل ۱۱۲ قانون اساسی مغایرت :	☒ ندارد	☐ دارد
۱۰	طرح/لایحه با اصل ۱۵۸ قانون اساسی مغایرت :	☒ ندارد	☐ دارد
۱۱	طرح/لایحه با سایر اصول قانون اساسی مغایرت :	☒ ندارد	☐ دارد

شرح نظر کارشناسی اداره کل تدوین قوانین در خصوص ضوابط ماهوی

در خصوص سند چشم انداز و سیاست های کلی نظام

در خصوص مغایرت با اصول قانون اساسی

تعداد برگ اظهار نظر به ضمیمه تقدیم می شود.

مدیر کل تدوین قوانین

نظر اداره کل اسناد و تنقیح قوانین

معاون محترم قوانین

احتراماً در اجرای بندهای (۱) و (۳) ماده (۴) قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۱۳۸۹/۳/۲۵ نظر این اداره کل به شرح زیر تقدیم می‌شود:

در اجرای بند (۱)		
۱	در خصوص طرح تقدیمی قوانین مرتبط	☐ وجود ندارد ☒ وجود دارد که به ضمیمه تقدیم می‌شود.
۲	در خصوص طرح تقدیمی قوانین متعارض	☐ وجود ندارد ☒ وجود دارد که به ضمیمه تقدیم می‌شود.

در اجرای بند (۳) :

نظر اداره کل مربوطه در خصوص لزوم قانونگذاری بر اساس طرح/لایحه جاری به ثبت نرسیده است.

تعداد برگ سوابق قانونی و نظر اداره کل به ضمیمه تقدیم می‌شود.

مدیر کل اسناد و تنقیح قوانین

ضمیمه نظر اداره کل اسناد و تنقیح قوانین

نظر اداره کل به انضمام سوابق قانونی

الف – نظر اداره کل

۱ – ملاحظه شد.

ب – سوابق قانونی

قوانین مرتبط/متعارض به شرح زیر تقدیم می گردد :

عنوان قانون: قانون داوری تجاری بین المللی مصوب: ۱۳۷۶/۰۶/۲۶

بخش های قانون: تمام متن